

# راهپیمائی توده‌ها

## بمناسبت روز جمهوری اسلامی!!

روز ۱۲ فروردین ماه بدعت بنی‌مدر، آیت‌الله منتظری، حزب جمهوری اسلامی و سایر ارگانهای دولتی را هیبماشی وحدت "بمناسبت سالروز فراتر اندوم جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت. تعداد بسیار قلیل شرکت کننده در این راهپیمائیها در همه شهرهای ایران بهر خلاف راهپیمائیهای قبلی، بیانگر زوی برگرداندن توده‌ها از حاکمیتی است که بنام دفاع "مستغمان" و "محروران" نه تنها به خواستهای اساسی توده‌ها جا به عمل نپوشانده، بلکه مدام بر فشار به آنها افزوده و با سنگین فقر و فلاکت و مما شب جنگ خانمانسوز را بر کرده آنها نهاده است.

هر چند تبلیغات رادیو و تلویزیون

وارگانهای تبلیغاتی جناحهای حاکم تلاش کردند تا وانمود سازند که علت عدم شرکت وسیع توده‌ها اوضاع بد جوی و بارندگی شدید بوده است، لیکن ناآگاهانه ترین توده‌ها نیز بخوبی دریافتند که علت نه در ریزش برف و باران، بلکه در چید دیگری است. مگر ریزش برف و باران نمیتواند جلوی حرکت

توده‌ها را بگیرد؟ چگونه بود که توده‌های ملیونی مردم در زیر باران گلوله نیروهای سرکوبگر رژیم دیکتاتوری شاه بدون اینکه هراسی بدل راه دهند، بدعت خمینی بس خبا با آنها می‌ریختند و با شکره ترین تظاهرات راهپیمائیها را برگزار

بقیه در صفحه ۲

### رژیم جمهوری اسلامی در جهت بازسازی صنایع وابسته گام برمیدارد

علیرغم آنکه عناوین صفحات اول و پراهمیت روزنامه‌های وابسته به دوجناح اصلی هیئت حاکمه به مسائل گریختگی به مشکلات و مسائل اساسی زحمتکشان ندارند و عمدتاً در راستای مخالفت با سیاستهای رقیب جهت گیری کرده‌اند، می‌باشد، اما هر دو جناح در بی اهمیت جلوه دادن اخبار و موضوعاتی که میتواند ذهن زحمتکشان را نسبت به حاکمیت سرمایه‌داران روشن سازد، کاملاً متفق جهت و همسوی حرکت کرده و

بقیه در صفحه ۱۳

### اعتصاب کارگران ایران ناسیونال سر آغاز مبارزه بی امان طبقه کارگر در سال نو

۲ صفحه

### چه کسانی "اسب تروای امپریالیسم و ضد انقلاب"

هستند؟ (۲) صفحه ۹

### ● لیبرالها از چه می‌ترسند و به چه شیوه‌هایی متوسل می‌شوند؟

روزنامه میزان ارگان "لیبرالهای" وابسته به جناح بازرگان روز شنبه با نهم فروردین متن سخنرانی مهندس بازرگان را بجا برسانند. بسیاری از لیبرالهای دیگر ما هیئت‌ها برای توده‌های زحمتکش میهن ما روشن شده است و طی دورانی که ریاست "دولت موقت" با ملاحظه انقلاب منتخب "امام" را بر عهده داشت، عظیم‌ترین خیانتها را نسبت به انقلاب توده‌های زحمتکش میهن ما نسبت به خلقهای تحت ستم ایران اعمال کرد، کسی که بهتر از این نمیتوانست منافع آمریکا و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم را تا مین کند، در سخنرانی خود می‌گوید "اگر آمریکا شیطان کبیر است، شیطان بزرگتر با اکبر هم‌داریم و آن مارکسیسم است. نه تنها بازرگان و فاعر و دسته وابسته به نهضت آزادی بلکه دارو دسته‌های دیگر لیبرالها از جمله بنی‌مدر حملات خصمانه‌ای را به مارکسیسم

بقیه در صفحه ۱۷

### در این شماره:

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● شبکه‌های کوچک و خبیان

● از اعلامیه‌ها... کارگران پیشرو

# برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی تبدیل کنیم

# راهپیمائی توده‌ها بمناسبت روز جمهوری اسلامی!!

بقیه از صفحه ۱

می‌کردند، اما امروز از ترس ریبـرز برف و باران در خانه می‌مانند و در راهپیمائی شرکت نمی‌کنند؟ حقیقت اینست که خمینی در آن زمان در جهت خواست مردم گام برمی‌داشت، توده‌ها را به مبارزه علیه دیکتاتوری و اختناق دعوت می‌کرد و بمردم وعده آزادی‌ورهای از شرایط مشقت با زندگی پی‌برورد و رنجشان را میداد. توده‌ها نیز چنین مسیبه‌ناشدند که پس از سرنگونی رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری اسلامی، زندگی نوینی خواهند یافت. دیگر با گرسنگی، فقر، بدبختی و عدم تأمین اجتماعی دست بگریبان نبوده و از ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی انسانی محروم نخواهند بود. دیگر توده‌های زحمتکش بخاطر خواستهای سر حق خود سرکوب نخواهند شد. آنها در رژیم جمهوری اسلامی آرزوهای میدهند و فروگرفته سالهای رنج و بدبختی خود را می‌دیدند.

با چنین توهمی بود که دو سال پیش در چنین روزی میلیونها نفر سراز هم‌میهنان زحمتکش ما با آرزوی زندگی بهتر بر سر صندوقهای رای رفتند و به رفرا نمودم جمهوری اسلامی رای مثبت دادند. سازمان در همان موقع موضوع خویش را با مراعات در باره رفرا نمودم اعلام نموده و نوشت "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران لازم میدانند نظرسریح خود را پیرامون رفرا نمودم پیشنها دی دولت موقت به اطلاع همه هم‌میهنان برسانند... ما طرفدار آن شکل و محتوی جمهوری هستیم که هر چه بیشتر منافع خلقهای تحت ستم ایران باشد، شـه هیچ چیز دیگری... اساس هر جمهوری "قانون اساسی" آن است نه نام آن. در همانجا سازمان نظر خود را نسبت به شرایط انجام رفرا نمودم ابراز داشته و می‌نویسد:

"... پیش از انجام هرگونه انتخابات با بد حد اقل شرایط و اوضاع و احوال مناسب برای برگزینی انتخابات فراهم باشد، بدون وجود شرایط دمکراتیک، همه نیروهای انقلابی و سازمانهای رزمی نشده نمی‌توانند آزادانه نظرات و عقاید خود را برای مردم توضیح دهند. هنگامی که مرتجعین و با زمانگان رژیم سابق خود سرانه به تفتیش عقاید مشغولند و با تهدید و ارا ب توهین و تهرش و جرح و حتی قتل، انقلابیون را در معرض شدیدترین فشارها قرار داده‌اند. زمانیکه... شرایط دمکراتیک برای نظرخواهی از مردم نیست... از آنجا که معتقدیم هر نوع نظرخواهی

از مردم با بد شرایطی کاملاً آزاد و دمکراتیک صورت گیرد، و فعلاً دولت قادر به تضمین آزادیهای سیاسی برای همه نیروها نیست و گامی هم در این جهت برنمی‌دارد، از آنجا که شکسته معتقدیم طرح سؤال رفرا نمودم بمرورت آبا جمهوری اسلامی را قبول داریم یا نه بیکجا نه و مستبدانه است. با بد برخلاف فرصت طلبان و دورویان، ما دقانه و صراحتاً به مردم میهنمان بگوئیم در این شرایط در رفرا نمودم پیشنها دی دولت شرکت نمی‌کنیم."

پس از انجام رفرا نمودم نیز در سرمقاله کار شماره ۵ نوشتیم: "رفرا نمودم در شرایطی که فضای غیر دمکراتیک بر کشور غالب بود، در شرایطی که رای دهندگان و طرفداران آزادی و دمکراسی هیچگونه اطلاعی از چها رچوب قانون اساسی و ماهیت جمهوری اسلامی نداشتند برگزار شد.

از قیام پهبروز منند ۲۱ بهمن تا کنون مردم چشم انتظار اقداماتسی انقلابی و تغییراتی اساسی بوده‌اند، ولی هنوز حداقل آنچه را که از انقلاب انتظار داشتند بدست نیاورده‌اند. حال با بد دید که از این به بعد چه تغییراتی در زندگی مردم روی خواهد داد، و چه تصمیماتی در جهت منافع مستقیم توده‌های زحمتکش و کوتاه کردن دست امپریالیسم و عنا صروا بسته به آن انجام خواهد گرفت؟ در قانون اساسی جدید تا چه اندازه خواستهای کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته میشود؟ آید دمکراسی مورد نظر توده‌ها تا چه میزانی برقرار خواهد شد؟ چگونه

با سخگویی به این خواستها و نیازهای مردم است که محتوای جمهوری اسلامی را تضمین خواهد کرد. بدیهی است جمهوری اسلامی تا آنجا که محتوایی دمکراتیک و فدا میبریا لیستی داشته باشد و قانونا اساسی آن با توجه به منافع زحمتکش ترین اقشار و طبقات تنظیم شود و دستهای امپریالیسم و وابستگی را کوتاه کند، مورد تأیید مردم و نیروهای مترقی قرار خواهد گرفت. در غیر این صورت از حمایت مردم برخوردار نخواهد بود."

و تا هدیویم که چگونه خواست و حقوق زحمتکشان لگدمال گردید و مجلس موسسان به مجلس خبرگان استعاله یافت و قانون اساسی ارتجاعی بتصویب رسید و توده‌ها بدلیل اعتماد ناآگاهانه به رهبری مهرتا شد بمرآن نهادند. اما رهبران که با وعده و وعید توده‌ها را فریفته بودند، نمی‌توانستند تا ابد توده‌ها را در جهل و

ناآگاهی نگهدارند. واقعیات زندگی هر روز و هر ساعت به توده‌ها نشان میدهد که آنچه در قالب جمهوری اسلامی پیدان می‌اندیشیدند سرا بی‌پیش نیست و انتظار برآورده شدن خواستهای واقعی‌شان در چها رچوب این رژیم دست نیافتنی است.

توده‌ها بعینه مشا هده می‌کنند که هر چند رژیم سلطنتی برچیده شده و رژیم جمهوری اسلامی جایگزین آن شده است اما توده‌ها همچنان در فقر و بدبختی زندگی می‌کنند، حقوق دمکراتیک خلقهای تحت ستم انکار میشود و توده‌های زحمتکش سرکوب میشوند، هنوز جواب حرف حق، سرکوب، زندان و شکنجه است، هنوز هم نشریات انقلابی توقیف شده و نیروهای مبارزان انقلابی دستگیر و زندانی و شکنجه می‌شوند. هنوز هم آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها با پمال میشود و توده‌ها از حقوق شرکت در تعیین سر نوشت خویش محرومند. حکومت جمهوری اسلامی نه‌حای منافع زحمتکشان بلکه پاسدار منافع استثمایران است. فقر و فلاکت عظیمی که در نتیجه بحران اقتصادی و جنگ ارتجاعی جامعه را فرا گرفته، زندگی زحمتکشان را به تباهی کشیده و بیگاری و گران‌تری آنان را خمر کرده است.

در باره این واقعیات سرسخت است که توهمات و خوشبینانه‌ریه‌های توده‌ها نسبت به رهبران سازشکاران همچون برفی که در برابر آفتاب ذوب شود، بسرعت و با شتاب روزافزونی زوده میشود. توده‌ها دیگر آن اعتماد گذشته به رهبران را از دست داده‌اند و با نیاوریه و وعده و وعیدهای آنان می‌نگرند. تجربه تلخ متجاوزان دو سال عمر رژیم جمهوری اسلامی حقا بقیاسیاری را برای توده‌های مردم آشکار ساخته و موجب سلب اعتماد آنان از حاکمیت گشته و اینست آن حقیقت تلخی که علت اصلی عدم شرکت توده‌هاست و سران رژیم جمهوری اسلامی هرگز جرئت بیان آنرا نخواهند داشت و هیا هوچار و جنجال ارگانهای تبلیغاتی آنها حول برف و باران نیز نخواهد توانست پرده‌ای بر روی این علت اصلی کشیده و آنرا از توده‌ها پنهان دارد.

رو بگرداندن توده‌ها از حاکمیت از یکسو و گسترش موج اعتراضات توده‌ای از سوی دیگر و همراه با آن دادگاه درگیریها و کش و قوسها و در جناح اصلی هیات حاکمه، آینه تیره و تاری را برای حکومت جمهوری اسلامی ترسیم می‌کند.

بقیه در صفحه ۱۸

# استقلال - کار - مسکن - آزادی



## اعتصاب کارگران ایران ناسیونال

# سراغاز مبارزه بی امان طبقه کارگرد رسال نو



## جنبش کارگری

اعتصاب قدرتمند کارگران ایران ناسیونال که در پی افزایش ساعت کار کارگران شکل گرفته پس از سه روز با کسب برخی از خواستهها به پیروزی انجامید. مبارزه کارگران برای کسب تمامی خواستههایشان همچنان ادامه دارد.

اینک در بهاری دیگر آدامه پیکار طبقه کارگر برای رهایی از چنگال سرمایه آغاز شده است. طبقه کارگر پیکار می کند تا سرمایه داری را براندازد. تا بیکاری، فقر، گرسنگی و دربدری از زندگیشان رخت بریندوده تا سرپناه داشته باشد، تا سفره شان خالی نباشد. کارگران در می یابند که آزادی را کس به آنها نخواهد بخشید. کارگران در می یابند که در پیکارهای بی امان با نیروی خود باید آزادی را به چنگ آورند. آنها در می یابند که باید متحد شوند. آری نسیم رهایی زحمتکشان وزیدن گرفته است. بهار رهایی کارگران و زحمتکشان در راه است. اعتصاب کارگران ایران ناسیونال نشانگر مبارزه قاطع برای رویارویی با سرمایه داران است. روز شنبه ۸ فروردین اعتصاب از سالن سواری سازی جنوبی آغاز شد و سپس اعتصاب یکپارچه ای تمام کارخانه را فرا گرفت. کارگران متحد و یکپارچه در این اعتصاب شرکت داشتند. در پی آن انجمن اسلامی کارخانه که گزاری جز جاسوسی و تفتیش عقاید ندارد در اطلاعیه ای اعتصاب کارگران را عملی "فدائقلابی" خواند. عوامل اعتصاب شکن که از طرف مدیریت بسیج شده بودند دست بکار شدند تا اعتصاب متحد کارگران را درهم شکنند. در همین رابطه سرپرستی که در قسمت سالن رنگ خواهان شکستن

را نخواهند داد. روز یکشنبه اعتصاب ادامه می یابد. کارگران در لیستی اسامی بخشی از عناصرد کارگران که دست به سوء استفاده مالی زده اند افشا می کنند. از جمله رئیس کمیته کارخانه که کارگران خواهان انحلال این کمیته هستند یکی از افراد این لیست است. روز دوشنبه اعتصاب همچنان ادامه می یابد. یکی از نمایندگان کارگران سخنرانی می کند و می گوید "بعد از گذشت دو سال هنوز به انگلستان وابسته هستیم، هنوز هم انگلستان در باره سر نوشت ما کارگران تصمیم می گیرد. آری - کارگران در عمل می بینند که تمام های و هوای "فدائلابیستی" ایسم رژیم چیزی جز فریب توده ها نبوده است. آنها دیدند که چگونه رژیم جمهوری اسلامی به بهانه مبارزه ضد امپریالیستی مبارزات کارگران را محض، اعتصابات کارگری را با چوب و چاق و کلوله زیر هجوم گرفت. دیدند چگونه با چماق داران پهلوان خود کارگران زحمتکش شرکت واحد، کفش ملی و... را سرکوب کرد. آری کارگران از واقعیات و تجربه زندگی در می یابند که تنها با نیروی بیکران خود به همراه سایر زحمتکشان قادر خواهند بود ایران را گورستان امپریالیسم سازند، سپس یکی دیگر از نمایندگان شروع به صحبت کرد و در ضمن صحبتهاش گفت "همین نماینده ای که برای گرفتن حق ما کارگران مبارزه کند می گویند از شوری آمده است!" سپس برادرم صحبتهاش ضرورت تشکیل شورای انقلابی و انحلال سندیکا را مطرح کرد. در پایان روز دوشنبه مدیریت درز فشار مبارزه یکپارچه کارگران مجبور شد برخی از خواسته های کارگران پاسخ دهد. وزیر صنایع و معادن می گوید "بقیه خواسته های شما را هم اجرا می کنیم".

اعتصاب با عقب نشینی مدیران و دولت روز سه شنبه ساعت ۷ خاتمه می یابد. کارگران در عمل نشان دادند که تنها با قدرت اتحاد در خواهند بود. مدیران و دولت ها می آنها را بزبان نودرا ورندها در جریان اعتصاب هر چه بیشتر به ضرورت تشکل واقعی می بردند. آنها دریا فتند که تنها با مبارزه متشکل و اتحاد یکپارچه است که قادر خواهند بود مبارزه راه چه بیکپارچه برای کسب خواسته های انقلابی خویش ادامه دهند. بهمین دلیل کارگران کارخانه ایران - ناسیونال در پی تشکیل شورای کارخانه هستند. آنها تنها با انتخاب نمایندگان واقعی قادر خواهند بود قدرت متفرق خویش را در شورای انقلابی متمرکز کنند و مبارزه را با هدایت شورای انقلابی به پیش برند.

اعتصاب بود توسط کارگران زندانی شد و در چندمین قسمت مهندسی که ما موریت شکستن اعتصاب را داشتند مقابل اراده متحد کارگران ناکام شدند. برادرم اعتصاب کارگران ۲۰ نماینده انتخاب کرد تا با مدیریت کارخانه مذاکره کنند. آنها خواسته های کارگران را اعلام کردند. مهمترین خواسته های کارگران عبارتند از:

- ۱- پرداخت ۲۰ روز سود
  - ۲- در صورت افزایش ساعت کار به ۷/۵ ساعت با یک وعده غذایی گرم به کارگران داده شود.
  - ۳- تعطیلی پنجشنبه ها
  - ۴- بازگرداندن ۲۰ میلیون تومان پول شرکت تعاونی که در اختیار سندیکا قرار داده کارگران
  - ۵- بازگرداندن مخلص و محاکمه او
  - ۶- انحلال سندیکا و فرمایشی
  - ۷- انحلال کمیته و انجمن اسلامی
  - ۸- بازگرداندن کارگران پیشرو و آگاه و اخراجی به کارخانه
- در پایان روز شنبه مدیریت کارخانه قول می دهد که برخی از خواسته های کارگران را عملی کند. اما کارگران می گفتند تا زمانی که تمام خواسته های ما عملی نگردد دست بکار نخواهیم زد. مقدم یکی از مدیران کارخانه تهدید می کند که به کارگران حقوق نخواهد پرداخت. کارگران اعلام می کنند که اجازه خروج بیکران

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)  
هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

# اخراج شیوه دیگری در سرکوب مبارزات کارگران

همانگونه که میدانیم کارگر و سرمایه دار دو طبقه هستند که منافع آنها اساساً با یکدیگر متضاد است. این منافع متضاد آنها را در مبارزه‌ای دائمی درگیر می‌کند؛ این مبارزه تا زمانی که نظام سرمایه داری برافتد، تا زمانی که طبقه سرمایه دار بکلی نابود شود، و هرگونه بهره‌کشی و استثمار ریشه‌کن شود، با اشکال متضاد ادامه می‌یابد. طبیعی است که اگر کارگران با اشکال مختلف علیه سرمایه داران - مبارزه می‌کنند تا حقوق و منافع خود را تأمین کنند تا استثمار را براندازند، سرمایه داران نیز که تا مبارزه کارگران منافعشان بخطر می‌افتد شیوه‌ها و اشکال مختلف مبارزه می‌کنند، تا مبارزات کارگران را سد کنند، این مبارزات را از مسیر اصلی و انقلابی خود منحرف نمایند و یا سرکوب کنند. اخراج هم یک نمونه دیگر از همین شیوه‌هاست. دیده‌ایم و قتی که در جامعه یک بحران اقتصادی بوجود می‌آید، بقول معروف با زار کساد می‌شود، سود سرمایه داران کاهش می‌یابد، آنها به اخراج دسته جمعی کارگران و تعطیل کارخانه‌ها می‌پردازند. با هنگامیکه یک بحران سیاسی در جامعه بوجود می‌آید و مبارزات توده‌ها از جمله مبارزات کارگران گسترش و اوج می‌گیرند سرمایه داران با ارتزاق از دست دادن سرمایه و سود خود و یا بمنظور فشار آوردن به توده‌های کارگر و در نتیجه سد کردن مبارزه آنها با زهم دست به تعطیل کارخانه‌ها و اخراج کارگران می‌زنند. امروز که مبارزات کارگری در میهن ما در حال رشد و گسترش است سرمایه داران سعی می‌کنند با اخراج کارگران پیشرو، جلورشد مبارزات کارگران را سد کنند، و مانع رشد و گسترش مبارزات آنها گردند. در این مقاله ما چند نمونه از این گونه اخراجهارامورد بررسی قرار می‌دهیم و راه‌های مقابله با آنرا نشان می‌دهیم.

از اوایل دهه مبارزات کارگران میهنمان حول خواسته‌های بزح خود اوج نوبنی یافت. از سود ویسوزه، عیدی و پاداش تا مبارزه برای حفظ و تشکیل شوراهای انقلابی، مقابله با اختناق در کارخانجات و... غیره کارگران در برابر سرمایه داران و

دولتشان قرار گرفته‌اند. رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند تمام دولت‌های سرمایه داری در برابر این مبارزات حق طلبانه کارگران سعی کرده شیوه‌های گوناگون از جمله با اخراج، مبارزات را سرکوب نماید. در طی این مدت شیوه اخراج کارگران بیش از پیش بکار گرفته شده است. کارگران آگاه و مبارز در تمام موارد اخراج در این قرار داشته‌اند. نقش افشا گرانه و آگاه‌گرانه این کارگران، سهم‌آنان در سازماندهی مبارزات کارگری و هدایت و ارتقاء آن، پیگیری آنان در مبارزات و کسب خواسته‌های کارگران بیشترین دشمنی سرمایه داران را بر می‌انگیزد. به همین جهت در کارخانجات آراگانه‌های ضد کارگری مدیریت و انجمن اسلامی متحداً "اخراج کارگران آگاه را بیش برده‌اند. نقش انجمنها در شنا سازی و اخراج کارگران پیشرو و ایجاد جو خفقان و اختناق و اعمال فشار و تیرگی بر توده کارگران بسیار چشمگیر بوده است. در واقع انجمنها بعنوان فعالترین نیروی سرکوبگر در کارخانجات بشمار رفته که از کمک پاداران نیز بهره گرفته‌اند، انجمنها با سازماندهی باندهای سیاه و جاسوسان بیشترین تلاش را در ایجاد جو خفقان و تفتیش عقاید داشته‌اند. نمونه‌های زیر گسترده‌ای از این حرکت ضد انقلابی سرمایه داران و دولت آنها را در طی این مدت نمایان می‌سازد.

در یکی از کارخانجات قزوین (تسد) عنقریب کارگران اخراج میشوند. کارگران دست به اعتراض زده و دستگاہها را خاموش می‌کنند، اما نتیجه‌ای گرفته نمی‌شود. در کارخانه جنرال موتورز در تبریز مبارزه برحق کارگران برای کسب سودویزه انجمن‌سلفی و مدیریت با همکاری نمایندگان سازشکار شوراهای کارگران مبارز را اخراج میکنند. کارگران به این حرکت معترض بوده و اخراجیها برای بازگشت به کارخانه مبارزه میکنند. در آلومینیوم ساری آراک مدیریت و انجمن اسلامی با همکاری امام جمعه آراگانه‌های دولتی، شورای انقلابی کارخانه را منحل کرده و چند تن از نمایندگان کارگران اخراج میشوند. در کارخانه ابهر بلدشت نیز شوراهای منحل و سه تن از

نمایندگان کارگران اخراج گشته‌اند. کارگران هر روز بیشتر به ما هیت این حرکت ضد کارگری پیوسته می‌برند. در کارخانه آذربایجان قزوین کارگران برای صحنه اعتراض می‌کنند، در ادامه سودویزه مطرح میشود. مبارزه موفقیت بدنبال نداشته و مدیریت با فریب، مبارزه کارگران را منحرف و سرکوب میکند. شش نفر از کارگران اخراج میشوند. در کارخانه ماهوزان ۱۴ نفر از کارگران به علت درگیری با کارفرما اخراج میگردند. در کارخانه شادان یکی از کارگران بوسیله مدیر اخراج شده که به اعتراض کارگران می‌انجامد. بدنبال آن مدیریت دست به اخراج دو کارگر دیگر میزند که کارگران اعتراض میکنند. در کمپنیدرو دو کارگر اخراج میگردند که در نتیجه اعتراض در بین کارگران اوج - میگیرد. مدیر عامل از پاداران کمک می‌خواهد آنها را با توسل به زور چهار کارگر مبارز دیگر را اخراج میکنند. اعتراض کارگران همچنان ادامه داشته و آنها طوماری در دفاع و حمایت از اخراجیها جمع می‌نمایند. در کارخانه بایر مدیریت با همکاری نمایندگان سازشکار سندیکای کارخانه شش نفر از کارگران را اخراج کرده است. مدیریت کارخانه پلی اکتیل در اصفهان سه تن از کارگران آگاه را که نماینده کارگران بوده‌اند، بجرم دفاع از منافع کارگران اخراج میکنند. در کارخانه جنرال تیر انجمن اسلامی با کمک مدیریت یک کارگر آگاه را اخراج نموده‌اند. در کارخانه کفش ملی مدیریت و انجمن دست به اخراج یک کارگر مبارز می‌زنند که با اعتراض مبارزان نیز می‌زنند. شورا نیز با اخراج مخالفت کرده و برای بازگرداندن وی بسرکار دست بکشد شده است. در کارخانه بلدیک کارگر اخراج گشته و از دو نفر دیگر نیز تبعید گرفته میشود، بر علیه اخراج کارگر مذکور کارگران معترض می‌باشند. در کارخانه سیمان یکی از کارگران بوسیله افراد ضد کارگران انجمن دستگیر و به کمیته برده میشود. کارگران و شورا به اعتراض وسیع و دامنه‌دار پرداخته و بالاخره با پیگیری موفق میشوند که وی را بسرکار بازگردانند و... بقیه در صفحه ۱۲

باید با استخدا م کارگران بیکار، بساط "اضافه کاری اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود!



از: اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات

## کارگران پیشرو

ماده‌ای را توطئه! آمریکا میدانند.

### تبریز

کارگران پیشرو تبریز در اعلامیه‌ای با عنوان "بازگشت اخراجی‌ها یک پیروزی دیگر برای کارگران تبریز" بازگشت کارگران انقلابی بمبلیان توده کارگران را به عموم کارگران کارخانجات تبریز تبریک گفتند و مینویسند: "بازگرداندن همکاران اخراجی ما از سوی رژیم جمهوری اسلامی نه از روی خیرخواهی این رژیم بلکه حاصل مبارزات طولانی چندین ماهه کارگران اخراجی و شاغل از یکسوترس و نگرانی رژیم از خشم کارگران از سوی دیگر بوده است. بازگشت همکاران انقلابی ما بر سر کارها نشان یکبار دیگر نشان داد که اتحاد و مبارزه کارگران چگونه ستمگران و دشمنان طبقه کارگر را وادار به عقب نشینی میکند." و در پایان می‌افزایند: "ما کارگران پیشرو تبریز ضمن استقبال بی‌پایان از بازگشت همکاران انقلابی خود، بازگرداندن عناصر سراسری و مزدور را از سوی رژیم جمهوری اسلامی بشدت محکوم کرده و برای اخراج و طرد مجدد این مزدوران از کارخانجات همچنان به مبارزه خود ادامه خواهیم داد."

اعلامیه دیگر کارگران پیشرو تبریز با نام "کارگران تبریز در آستانه سال نو" منتشر شده است. در این بیانیه اعلامیه ابتدا به فقر و گرانگیزی حاکم بر جامعه اشاره کرده و با تقاضای سرخ‌های ما بیهنجار ضروری پارسال و امسال افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها را نشان داده و سپس مینویسد: "از طرف دیگر پارسال در همین موقع شوراها می‌توانستند..."

کلیه اعلامیه‌ها و تراکت‌های زیر مربوط به مبارزات اسفندماه کارگران میباشند. در شماره‌های گذشته، گوشه‌ای از حرکات کارگران پیشرو را در ارتباط با مسئله سودویزه و عیدی و پسانداز نشان دادیم. نمونه‌های زیر نشانگر کوچکی از ایستادگی مبارزه کارگران در سایر زمینه‌ها می‌باشد:

### خوردستان

کارگران پیشرو صنعت نفت اعلامیه‌ای تحت عنوان "برکارگران جنگزده شرکت نفت چه میگذرد" در اسفندماه منتشر نمودند که در آن ضمن افشای "ستادبررسی مشکلات کارکنان جنگزده" که برای جلوگیری از مبارزات کارگران توسط وزارت نفت ایجاد شده است، گفته‌اند: "نمایندگان شورای سراسری جنگزدگان صنعت نفت برای مذاکره جهت احقاق خواسته‌های کارکنان به تهران عزیمت نمودند. اما مسئولین وزارت نفت، مهندسان سادات (کفیل وزارت نفت)، مدرسی، غروی و شهریاری نه تنها به خواسته‌های برحق کارگران جوابی ندادند بلکه بیشتر ما را کارکنان قهرمان نفت را که نقش عظیمی در نابودی رژیم دیکتاتوری شاه خاشن در اعتماد شکوهمند ۱۵۷ یفا نمودند... طرفدار کدام! و آمریکا بی‌فدا انقلاب!!! نامیده و ۴ تن از نمایندگان به نامهای شیخ زاده، شاهپوری، مهرداد دوست و محبی را با نقشه قبلی توسط چارساداران سرما به دستگیر و روانه زندان اوین مینمایند." در قسمت دیگری ضمن اشاره به سیاست‌های اپورتونیستی "کمیته مرکزی" این "شوده‌ای‌ها جوان" مینویسند: "این بار نیز در مقابل خواسته‌های برحق کارگران جنگزده قرار گرفته و هرگونه اقدامی جهت تحقق خواسته‌های"

توانسته بودند برای همه کارکنان در اکثر کارخانجات تبریز با زده هزار تومان بطور مساوی از با بیت سودویزه از دولت سرمانه‌داری رژیم جمهوری اسلامی بگیرند. همان شورش که رژیم به آنها اتهام آمریکا می‌بندد، اما بعد از توطئه کودتای رژیم جمهوری اسلامی علیه شوراها، انقلابی کارگران، آنها چه گلی برسین، ما زدند؟ "هر ادا ما می‌پرسند: "چه کسانی آمریکایی هستند؟" و سپس به افشای سران رژیم جمهوری اسلامی می‌پردازند و پس از آن چنین ادا می‌دهند: "و اما در مقابل این سخنان ما احتما نوکران با جیره‌بسی جیره رژیم جمهوری اسلامی یعنی حزب توده و "اکثریت‌های کمیته مرکزی" این خاشنین به طبقه کارگر با اعتراض خواهند گفت که تقصیر این گران‌ها و قحطی‌ها و کمبایی‌ها از رژیم جمهوری اسلامی نیست." و در خاتمه می‌افزایند: "سال نو را با مبارزه علیه اختناق از یکسوت و افشای ماهیت فذخلقی هر دو جناح رژیم جمهوری اسلامی در پیشگاه توده‌ها و از سوی دیگر، و مبارزه بی‌مان در راه خواست‌های فوری (افزایش دستمزد، متناسب با تورم و گرانی موجود در سطح جامعه، بهبود شرایط کار و بهداشت و درمان، کاهش ساعات کار و دو روز تعطیلی در هفته و...) و در راه اعمال اراده مستقیم کارگران و زحمتکشان ادا می‌دهیم."

### گیلان

کارگران پیشرو چوکا در یک تراکت خطاب به "کارگران قهرمان چوکا" مینویسد: "رژیم جمهوری اسلامی کارخانه چوکا را به زندان انقلابیون تبدیل کرده است... کارگران چوکا میخواهند بیدارند چرا با بدبختی‌ها سرمانه‌بیا... بودجه‌ای که از استشاریان کارگر بدست آمده است، چوکا را به محل شکنجه نیروهای انقلابی تبدیل کند؟ ما میگوئیم رژیم جمهوری اسلامی سرمانه داران میخواهند نیروهای انقلابی را دربند کنند تا از تماس آنها با توده‌ها جلوگیری در رژیم جمهوری اسلامی با بدبختی‌ها سرمانه انجام جرقه‌های آگهی، با زوت توده‌ها را شعله و زغوا همساخت و این شعله خرم هستی سرمانه‌داران را خاکستر خواهد کرد."

هواداران سازمان در انزلی نیز پیرامون تبدیل کارخانه چوکا به زندان انقلابیون اعلامیه‌ای داده‌اند. بقیه در صفحه ۶

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



از اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات

### کارگران پیشرو

بقیه از صفحه ۵

که در بخشی از آن میگویند: "با تمام توان در جهت آزادی زندانیان سیاسی و برچیدن بساط شکنجه زندان از همه جا و از آن جمله چوکا تلاش کنیم".

### اراک

در قسمتی از اعلامیه "کارکنان ابرالکود در مقابل اختناق حاکم پسر کارخانه ابستادگی خواهند کرد" که توسط کارگران هواداران در اراک منتشر شده، ضمن افشای اقدامات ضدکارگری "مظهری" مدیریت کارخانه و "قدیانی" دادستانی انقلاب آمده است که: "اخیرا حدود ۳۰ نفر را به استخدام کارخانه در آورده اند که پوشش استخدامی آنها هر چه باشد در مجموع یک هدف را تعقیب میکنند - توطئه و سرکوب حرکات اعتراضی کارکنان - علاوه بر این استخدامها با کمال بیشرمی و وقاحت ۲۲ پاسدار را به کارخانه آورده اند که آزادانه به تمام قسمتها سرکشی میکنند. و پس از افشای این عده و جریانات ضدکارگری درون کارخانه گفته شده: "آنچه در مجموع عملکردهای حاکمیت و نمایندگان مزدور و مظهری و قدیانی در این کارخانه دنبیال میکنند ایچا دعوی پرسوژن و از بین بردن "امنیت شغلی" کارکنان است تا بدینوسیله هیچگونه اعتراضی در مقابل حرکات ضدکارگری آنها نباشد" و در خاتمه نوشته اند: "... باید با مبارزه و مقاومت در برابر بیورش حاکمیت ضد خلقی، شورای واقعی خود را تشکیل دهیم، متحد و یکپارچه از آن بدفاع برخیزیم و مطمئن باشیم که سهل انگاری ما در مقابل این تهاورات حاکمیت، روزی گریبان خود ما را نیز خواهد گرفت".

### قزوین

در تراکتی که کارگران پیشرو قزوین منتشر کرده اند میگویند: "بهباد نبوی سخنگوی سرمایه داران میگوید: هر کس اعتماد و تحمّن کند و با اضافه حقوق بخواد در خط آمریکا است و ضد انقلاب است. ما از اینها مدرک داریم مردم میگویند: مدرک شما دستهای پیسنه

بسته ما، بیکاری ما، سفره خالی ما، پاهای برهنه زن و بچه ما است با ما مدرک ما: مذاکرات پشت پرده شما با هیوزرها برای سازش... فانون لغو بود و بیزه... سرکوب شوراها... کارگری و دهقانی و... حالا کدما میک در خط آمریکا و ضد انقلاب هستیم".

### اصفهان

هواداران سازمان در اعلامیه ای در رابطه با اخراج کارگران شرکت پارس با ختمان منتشر شده اند. نوشته اند: "در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۰ از طرف شرکت نفت بخشنامه ای به شرکت فرانسوی اسدم فرستاده شده است مبنی بر اینکه چون مدیریت برنا به کارش را مرتب جلو نبرده است به خدمت کلیه کارکنان از تاریخ ۵۹/۱۱/۲۰ حساب گردد. کارگران میپرسند: مدیریت شرکت پس از به جیب زدن پول های کلان و ساخت و پاخت با مدیران شرکت نفت نتوانسته است برنا مه کار را بطور مرتب جلو ببرد آیا ما کارگران با بدبیکار شده و تاوان آنرا پس دهیم و بیا ردوی بیکاری و آوارگی بپیونددیم؟" و پس از شرح مبارزات کارگران و اخراج ۵۰ نفر از کارکنان این شرکت می نویسند: "با اتحصاد یکپارچه خود و تقویت شورا های واقعی توطئه های عوامل سرما به را درهم شکنیم و با ایجاد هیئت های تحقیق توطئه های سرمایه داران را در جهت به تعطیل کشاندن کارخانه ها و کارگاه ها هانختی کنیم".

### تهران

کارگران پیشرو برق و توان نیرو تراکتی با عنوان "اخراج، عیدی دولت به کارگران" منتشر نموده اند که در آن میگویند: "استخدام موقت - یکی از شیوه های زاپچ سرما به داران برای فرار از پرداخت حقوق کامل به کارگران است. سرمایه داران طی مدت استخدام "موقت" شاق ترین کارها را بعهده کارگران جدید می گذارند و برای فرار از زیر بار تعهدات استخدامی ما سند حقوق رسمی، بیمه کامل، بازنشستگی، حق اخراج را در مقابل هرا اعتراض برای خود محفوظ میدارند. ۸۰۰ تن از همکاران ما در برق مدت ۱۸ ماه است که برای رسمی شدن مبارزه میکنند. روشن است که کارگران "موقت" هم مانند ما از با ما تا ما جان می کنند و بحق توقع حقوق واقعی و برابر با دیگران را دارند. دولت برای چندمین بار است که به بهانه "موقت" بودن قصداً اخراج آنها را در دولتی هربار با مقاومت دسته جمعی کارگران مجبور به عقب نشینی گردیده است... کارکنان

آگاه و مبارزان در این شرایط وظیفه همه ما است که با پشتیبانی کامل از خواسته های بحق کارگران "موقت" از اخراج آنان جلوگیری نمائیم".

\* \* \*

یکی از کارخانجاتی که در اسفند ماه در تدارک تشکیل شورا بودند کارخانه اسکونی است. کارگران پیشرو این کارخانه طی اعلامیه ای در رابطه با تشکیل شورای واقعی خطابه دوستان کارگر خود میگویند: "همانطور که میدانید در مجمع عمومی روز یکشنبه سوم اسفند با وجود تمام کارشکنی های مدیریت ما توانستیم اولین قدم را در راه انتخاب نمایندگان شورا برداریم. ما در طول مدتی که شورا نداشته ایم عملاً به لزوم تشکیل آن پی برده ایم. و پس از برشمردن شرایط یک نماینده واقعی مینویسند: "با شرکت فعال در انتخابات شورا و انتخاب نمایندگان واقعی خود از خواسته های بحق خود در مقابل دولت و سرما به داران دفاع کنیم".

\* \* \*

کارگران پیشرو شرکت واحد تهران و حومه در اعلامیه ای با نام "تیم کارگران چه میگوئیم، چگونه میتوانیم آنها را بدست آوریم" میگویند: "با مبارزات پیگیر ما دولت یک قدم به عقب نشست". ضمن اشاره به روی کار آمدن اعتضادی بجای هندی و سپس رضوانی بجای اعتضادی مینویسند: "ولی همچنان بی تفاوتی، سکوت و وعده و وعید و اقدامات پنهانی برای تفرقه انداختن بین کارگران جای اجرای خواسته های ما را گرفته است". در ادامه خواسته های کارگران شرکت واحد بر شمرده شده است که بخشهایی از آن بدین قرارند: "حداقل حقوق بر اساس حداقل هزینه زندگی افزایش یافته و بر آن اساس به با به حقوقی کارگران اضافه شود و تا قبل از تنظیم و اجرای آن پاداش و دستمزد اضافه کاری و... که بخشی از حقوق ما بود باید پرداخت گردد... هیچ مقامی اعم از مدیریت و یا انجمن اسلامی حق دخالت در انتخابات و انحلال شوراها را ندارد و مجمع عمومی کارگران یگانه تصمیم گیرنده و قضاوت کننده در مورد شوراهاست". در پایان می نویسند: "با تقویت شوراها از آنها بخواهیم که در جهت کنترل هر چه بیشتر مدیریت و اجرای خواسته های کارگران اقدام نمایند".

\* \* \*

بدنبال اعتصاب شرکت واحد و کشف ملی، کارگران پیشرو صنایع دفاع، صنعت نفت و برق و توان نظری اعلامیه و تراکتها را ضمن اعلام حمایت از این اعتصابات به ضرورت تشکیل شورا های واقعی و اتحاد و همبستگی همه کارگران اشاره کرده اند که از انعکاس یک یک آنها خودداری می کنیم.

## سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

### بزرگداشت روز "زمین" در فلسطین

دوم فروردین امسال شهرهای روستاها و اردوگاههای فلسطین به مناسبت بزرگداشت "روز زمین" شاهدگردهمایی های پرشور و انقلابی بود. خلق قهرمان و فدائیان رزمنده فلسطین در این روز مبارک دیگر بهمان خوبی را مبنی بر تداوم مبارزه انقلابی تا پیروزی بر همه دشمنان صهیونیستی، امپریالیستی و ارتجاعی تجدید کردند.

خلق قهرمان فلسطین روزهای بسیار ری را در هر سال به مناسبت های مختلف آرج می نهد. و بویژه به بهانه این مناسبت های ملی، در سرزمینهای اشغالی با برپائی تظاهرات و اجتماعات باشکوه آرامش پوشالی صهیونیستها را درهم می ریزد.

در سال ۱۹۷۶ بدنیال الحاق تجا و زگرانه بخشهای زیادی از زمینهای منطقه "جلیل" طبق یک قانون صهیونیستی، به پیشنهاد سازمان آزادیبخش فلسطین این روز (۱۹ فروردین) بعنوان "روز زمین" تا گذاری شود در سراسر مناطق اشغالی در این روز اعتراضات و تظاهرات اعتراضی علیه صهیونیستها برگزار شد از آن پس هر ساله این روز باشکوه، هر چه بیشتر توسط فلسطینیها جشن گرفته میشود. اشغالگران صهیونیست که از هر حرکت جمعی این خلق قهرمان در هراس هستند، همواره سعی دارند این گونه تجمعات را با بورش فاشیستی و مسلحانه خود برهم زنند. امسال نیز ما موران مسلح صهیونیستی به مراسم بزرگداشت "روز زمین" حمله کردند که در نتیجه چند تن از شرکت کنندگان مورد اصابت گلوله قرار گرفتند.

### شکنجه زندانیان سیاسی در السالوادور

توده ای شدن هر چه بیشتر مبارزات خلق السالوادور، سرنگونی حاکمیت خونخوار نظامی را هر روز نزدیکتر می کند. خونخوار شکست خورده در تلاش مذبحخانه برای حفظ خود بیش از پیش به شیوه های سرکوب و اعمال شکنجه و ایجاد رعب و وحشت متوسل شده است و مدام انقلابیون و مبارزان را اعمال زکا و زحمتگشان و روشنفکران، روزنامه نگاران و دانشجویان را تحت شکنجه های بدنی و روحی قرار میدهد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در یکی از زندانهای شهر "سانتا نکلا" که ۱۲۵ زندانی سیاسی دارد زندانیان

### جنبش جهانی

بازگویی - رهائیبخش



را بصورت عنفوری در سولهای کوچک زندانی کرده اند. همچنین یکی از زندانیان که عضو سندیکا است، اظهار داشته که ۱۸ تن از همکارانش را در برابر چشم خانواده هایشان اعدام کرده اند.

بنابراین اظهار روزنامه نگاران که بدون محاکمه به زندان محکوم شده اند، زندانیان را برای گرفتن اعتراف زیر شکنج الکتریکی و ضرب و شتم قرار میدهند و برای ترساندن زندانیان با تفنگ از سوراخ در به سوی آنها نشانه میروند. بنا به گفته همین زندانیان، دژخیمان رژیم حتی از تهیه غذا برای زندانیان خودداری میکنند و این زندانیان مجبورند به مقدار ناچیزی غذا اکتفا کنند که از سوی خانواده هایشان برای آنها ارسال میشود.

### ترکیه

ترکیه - ۲۹ مارس - به گزارش خبرگزاری فرانسه، ۹۷ تن از چریکهای "حزب انقلابی کردستان" در ترکیه توسط نظامیان حاکم به جوخه اعدام سپرده شدند. فرماندار فاشیست حکومت نظامی در استان "دیاربکر" (کردستان) اعلام کرد طی چند هفته اخیر ۲۳۳۱ چریک جدا شده طلب (بخوان انقلابی کرد) دستگیر شده اند.

از آغاز روی کار آمدن دارو دسته کودتاچیان امریکائی به سرکردگی ژنرال اورن، روشنفکران و کارگران و سایر زحمتگشان انقلابی که در راه استقرار دموکراسی بوده ای و رهائی از سلطه سرمایه داری وابسته مبارزه می کنند، بیش از پیش آماج شدیدترین حملات فاشیستی نظامیان کودتاچی هستند. در این میان خلق تحت ستم "کرد" در ترکیه نیز همانند سایر زحمتگشان ترکیه به

مبارزات انقلابی خود شدت بخشیده است. نمونه تیرباران فاشیستی چریکهای انقلابی در "دیاربکر" بیانگر اوج نوین جنین مبارزاتی است.

### سیمای ترکیه در ارقام

در پی کودتای نظامی ۱۲ سپتامبر ترکیه توسط ایادی امپریالیسم آمریکا، موج وسیع دستگیری و اعدام و ترور انقلابیون و مبارزان فدائی امپریالیست در این کشور با لگرت. رژیم نظامی دست نشانده آمریکا بمنظور سرکوب جنبش توده ای ترکیه و با هدف ایجاد مباحث آرا مشش و امنیت سیاسی و اقتصادی، فعالیت همه نیروها و احزاب سیاسی را ممنوع اعلام کرد. و حتی روزنامه های چیره خوار بورژوازی را که در رابطه با تضاد جناحهای مختلف بورژوازی، توافق افکنی می کردند تعطیل نمود. نظامیان در ترکیه همانند کودتای سال ۷۱ سلاطین تلاش می کنند با زور، سرنگونه سرکوب زندان و شکنجه اختناق را بر کشور حاکم سازند.

ارقام منتشر شده از دستگیریهها و اعدام های رژیم نظامی طی ماههای گذشته عمق فاشیسم سیمانه حاکم بر ترکیه را نشان میدهد. هنگامی که ارقام اقتصادی (مالی و اعتباری) ترکیه در کنار ارقام سرکوب جناحهای این حکومت گذاشته شود عمق بحران سیاسی اقتصادی این کشور بیشتر آشکار می شود.

ارقامی که در زیر می آید از نشریه گاردین چاپ آمریکا (۱۱ فوریه ۱۹۸۱) برگردانده شده است. سیمای ترکیه امروز در این ارقام تا حدودی آشکار است در طول ۵ ماه حکومت نظامیان.

۱۲۰۰ نفر به جرم ارتباط با A.P.O (سازمان کردها) دستگیر شدند. ۲۰۰ عضو حزب دمکراتیک کرد محاکمه شدند. ۴۶ هزار سازمان آموزگار ان چپ به جرم فعالیت های انقلابی دستگیر شدند.

در ۱۴ دسامبر یک انقلابی ۱۸ ساله بنام "اردال ارن" اعدام شد. او در زمان "دمیرال" محکوم به اعدام شده بود ولی اعتراض سازمانهای مترقی بین المللی حکم را به حالت تعلیق در آورد.

۱۳۸۰ نوامبر، ۶۶ عضو "راه انقلابی" مارکسیستی - لنینیستی خلق دستگیر شدند. از ۱۰ سپتامبر تا ۱۰ دسامبر ۱۹۹۵ تن را دستگیر کردند، ۸۵۰۰ تن از این بازداشت شدگان محاکمه گردیدند که در میان آنها ۸۲۷ تن راست افراطی، ۳۱۵۲ تن چپ و ۵۵۷ نفر (عمدتا "وطن پرستان کرد) با اتهام تجزیه طلب محاکمه شدند. در مورد بقیه یعنی ۲۵۶۶ تن دیگر، هنوز تحقیق نشده است.

نخبه در صفحه ۸

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهاییبخش سراسر جهان





جنبش جهانی



پتیه از صفحه ۷

همچنین ، ۲۱۵ تن کشته شده اند . که در میان آنها ، ۷۰ عضو فدائی سال سازمانهای چپ ، در درگیری با نیروهای امنیتی رژیم ، و ۱۱۸ غیر نظامی کشته شده اند . در تمام کشورهای حکومتی نظامی برقرار است . سازمان جدید بر مطبوعات حاکم است . فعالیت تمام اتحادیه های کارگری منطبق است . D.T.S.K. (کنفدراسیون سندیکای انقلابی کارگران ) اعلام کرده که دو هزار تن از اعضای دستگیر شده اند . نیروهای مخالف حکومت ترکیه در آلمان غربی اعلام کرده اند که تا خانه زانویه حداقل ۲۰ نفر بر آشوب شکنجه در زندانها به قتل رسیده اند . بیدادگانه های نظامی ۰۸۰ تن را تاکنون به اعدام محکوم کرده اند . بخشی از ماروارقا اقتصاد ای : طبق گزارش هفته نامه تجاری - Business week در ۱۵ دسامبر کل بدهی خارجی ترکیه ۱۶ میلیارد دلار است . کسرموازنه جاری ۴ میلیارد دلار و نرخ تورم ۹۰٪ و نرخ بیکاری ۲۵٪ می باشد . آنچه در فوق آمد گوشه ای از چهره سیاسی - اقتصادی ترکیه در ارقام بود . اما مقاومت و مبارزه انقلابی کارگران و سایر مبارزین ترقیخواه و ضد امپریالیست علیه حکومت فاشیستی نظامیان کودتای دست نشانده امپریالیزم در این کشور همچنان ادامه دارد .

افزایش بیکاری در فرانسه

تعداد بیکاران و متقاضیان کار در فرانسه هر روز با دو سه تن بر می آید . در ماه ژانویه گذشته حدود ۵۱۲۰۰۰ تن اخراج شده اند . بررسیهای آماری نشان میدهد ، که این رقم در مقایسه با دسامبر ۱۹۸۰ حدود ۱۴٪ و در مقایسه با ژانویه ۱۹۸۰ حدود ۴۰٪ افزایش داشته است . از سوی دیگر آژانس ملی متقاضیان کار ( A.N.P.E ) اعلام کرده است که ۱۶۸۰/۰۰۰ نفر جهت تقاضای در این آژانس ثبت نام کرده اند . در طی ماه ژانویه ۱۹۸۱ ، تعداد متقاضیان کار آژانس ۲۶۶۴۰۰ تن بوده است . این تعداد شامل : ۱۲۷۶۰۰ تن از میان افراد اخراج شده ، ۷۹۹۰۰۰ تن به دلیل پایان یافتن قرارداد استخدامی ، ۲۳۱۰۰۰ تن آمادهی کار ، ۷۷۰۰۰۰ تن بدلائل دیگر مانند استعفا از کار قبلی ، دوباره از سر گرفتن کار بعد از مدتی انقطاع ، می شود . به طوریکه در کل بر اساس گزارشهای آماری مجموع تقاضای کار در ماه ژانویه حدود ۳٪ افزایش را نمودار می کند . گزارش دیگری از فرانسه بحران اقتصادی موجود در این کشور - امپریالیستی را بیشتر نشان می دهد . کارخانه صنایع شیمیایی "رون - پولان" فرانسه تصمیم دارد ، ۵۰٪ از کارکنان شعبه ریسندگی خود را در سال ۱۹۸۱ کاهش دهد . گروه "رون پولان" نخستین کارخانه شیمیایی فرانسه است که تصمیم دارد کارکنان خود را در عرض یکسال از ۸۰۰۰۰ نفر به ۴۰۰۰۰ نفر رساند . این برنامه از سال ۱۹۷۷ شروع شده و در عرض سه سال کارکنان آن از ۱۳۲۰۰۰ نفر به ۸۰۰۰۰ نفر رسیده است .

حمله پلیس بلژیک به کشاورزان معترض

روزی ۱۲/۱۱/۶۰ ، کشاورزان بلژیک طی یک راه پیمایی خواهان افزایش بهای محصولات کشاورزی شدند . این راه پیمایی در پی امرار "ویلفس مارتینز" نخست وزیر بلژیک مبنی بر تشبیهت دستمزدها برای بقیه سال جاری مسیحی ، انجام گرفت . نخست وزیر دولت سرمایه داری بلژیک در حالی بر تشبیهت دستمزدها اصرار می ورزد که قیمت ها با بالاست و دستمزدها مخارج سنگین زندگی را تا می بین نمی کند . پلیس بلژیک برای برهم زدن راه پیمایی کشاورزان با برتاب گاز اشک آور و وارد عمل شده غم کشاورزان را برانگیخت و با پرتاب سنگ و گویه فرنگی و بر گشت دادن کبسلوهای گاز اشک آور به سوی خود پلیس ، به مقابله با سرکوبگران پرداختند . کشاورزان پس از لحظاتی جنگ و گریز با پلیس سرمایه داری ، در مقابل مقرجا مع اقتصاددای اروپا اجتماع کردند و همچنان مصرانته خواهان افزایش بهای فروش محصولات خود به دولت شدند ، اما دولت بلژیک حتی با تن دادن به استعفا حاضر نشده است خواسته های کشاورزان معترض را برآورده سازد .

\* \* \* \*

با کمکهای مالی خود سازمان رایبری رسانید!

قربان ۱۲۱۱	امانت شمارسید	۱۰۰۰	۵۵۸	۲۷۳۰۰	۱۱۱۱	۵	۳۰۰۵	۲۰۹۹	۵۰۲	۵۲	الف	۱۰۳۶۹	۱۴۰۰۰	۶۰۴۸۲	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
صدق عمو ۱۰۰۰	رفقای کوتینکن	۳۱۱۲	۵۵۵	۲۹۹۹	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۲۰۱۲	۲۱۱۲	ز	۱۴۴۴	۷۷۰	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
کارگر مکانیک	رفقای شمال آلمان	۱۰۱۲	۱۰۳۴	۱۵۰۱	۵۶۶۲	۳۱۱	۱۲۲۰	۳۰۵۶	ض	۲۰۵۵	۲۰۲۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
ج - ۱۲۱۲	رفقای آلمان	۱۰۱۱	۱۲۶۲	۱۱۰۰	۱۱۳۵	۱۱۲۳	۱۲۲۰	۳۰۵۶	ط	۲۰۵۵	۲۰۲۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
م - خانه دار	رفیق الف	۴ - ۱۰۰	۵۵۵۵	۱۲۱۷	۳۳۳۴	۱۱۱۲	۱۱۱۲	۳۰۵۷	ظ	۲۱۲۳	۲۰۲۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
۶۰۰	رفیق آ	۴۴۴	۱۰۷۵	۱۷۰۰	۲۰۳۷	۲۰۲۲	۲۰۲۲	۳۰۵۸	ظ	۲۱۲۳	۲۰۲۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
رفقای کارگر شهرک	سرخ ۴۰۱۱۰	۸۶۷	۵۱۲۵	۶۲۵	۵۸۶۱	۴۰۰۲	۳۰۰۲۲	۱۵۰۶	س	۱۳۱۶	۲۰۵۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
۱۰۰۰۰ اکباتان	رفقا ن - ج	۵۲۰۰	۱۰۰۲	۶۲۵	۵۸۶۱	۴۰۰۲	۳۰۰۲۲	۱۵۰۶	س	۱۳۱۶	۲۰۵۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
رفقای دبیرستان	رفقای جنگ زده	۳۲۰۰	۳۸۷۰۰	۱۷۰۰	۱۹۱۰	۱۱۱۲	۱۱۰۳	۶۱۱۱	ط	۲۱۱۲	۳۰۰	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
شریفی میا نه ۳۵۰۰	رفقای جنگ زده	۲۲۰۰	۳۸۷۰۰	۱۷۰۰	۱۹۱۰	۱۱۱۲	۱۱۰۳	۶۱۱۱	ط	۲۱۱۲	۳۰۰	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
بیشگام رضوان شهر	ج - بازار نه ۶۵۰۰	۱۵۰۰	۵۲۱۹	۶۰۰۰	۲۰۲۲	۳۳۰۰	۱۰۰۰	۳۸۸۸	ع	۱۲۱۵	۲۰۲۰	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
در سه شهر بنیانیان	هزاران روستای	۱۰۰۰۱	۵۲۱۹	۶۰۰۰	۲۰۲۲	۳۳۰۰	۱۰۰۰	۳۸۸۸	ع	۱۲۱۵	۲۰۲۰	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
۳۰۰۰ (تهسوار)	نادالی ۶۰۰	۵۰۰۲	۵۲۱۹	۶۰۰۰	۲۰۲۲	۳۳۰۰	۱۰۰۰	۳۸۸۸	ع	۱۲۱۵	۲۰۲۰	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
بیشگام متحدین	بدن کد	۲۰۰۲۲	۵۲۱۹	۶۰۰۰	۲۰۲۲	۳۳۰۰	۱۰۰۰	۳۸۸۸	ع	۱۲۱۵	۲۰۲۰	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
۵۵۰۰	پا شار ۱۰۰۰	۶۲۳	۱۸۳۲	۲۳۴۳	۲۱۹	۲۱۹	۱۵۲۶	۶۲۰	ق	۱۰۶۶۶	۱۰۱۱	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
بیشگام آزادگان	رفقای آبکار	۲۵۰۰	۱۶۱۱	۵۱۹۹	۶۲۱۵	۵۱۵۵	۱۰۱۴	۵۶۱۱	ص	۱۱۱۵	۱۲۰۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
۲۰۰۰ و ۷۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۶۱۱	۵۱۹۹	۶۲۱۵	۵۱۵۵	۱۰۱۴	۵۶۱۱	ص	۱۱۱۵	۱۲۰۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
بیشگام رضوان شهر	رفقای خیران ۴۰۰۰	۱۶۰۰	۱۶۱۱	۵۱۹۹	۶۲۱۵	۵۱۵۵	۱۰۱۴	۵۶۱۱	ص	۱۱۱۵	۱۲۰۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
۱۳۰۰	شبستر ۶۰۰۸	۵۸۹۸	۱۶۰۰	۵۱۹۹	۶۲۱۵	۵۱۵۵	۱۰۱۴	۵۶۱۱	ص	۱۱۱۵	۱۲۰۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰
۱۳۰۰	۳۵۰	۱۱۰۰	۱۰۱۸	۵۱۰۲	۳۱۱۴	۳۰۲۹	۵۰۰	۱۱۲۴	ش	۵۱۲۷	۱۸۸۲	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۲۱۴	۲۱۴	۱۲۷۸	۶۵۰	۵۱۱۵	۷۷۰





# چه کسانی "اسب تروای امپریالیسم و ضد انقلاب"

## هستند؟ ۲

### نگاهی کوتاه بر ۳ سال حکومت "اتحاد خلق" در شیلی

بحران انقلابی که بدنیاال بحران فزاینده اقتصادی، در اوایل دهه شصت جا معه شیلی را در نوردد، آنچنان با بعد گسترده ای بخود گرفت که بی شیا هست به گسترش موقعیت ما قبل انقلابی بر این کشور ۱۱ میلیون نبود. این بحران با زتاب خویش را در توانی "بالائیها" در معرفی کا ندیدا و واحد برای انتخاب ریاست جمهوری ۱۹۷۰ بروشنی نشان داد. بحران درونی، طبقه حاکم بورژوازی را به دو جناح "پارسیسمو" (JARPISMO) (جناح مسلط "حزب ملی زیر رهبری" اونوفره "جا رپا" او، فریسمو FREESMO) (جناح مسلط حزب دموکرات مسیحی، زیر رهبری "ادوا، دوفری") تقسیم کرده و هر کدام نیز توان از ارائه آلترنا تیوی برای وحدت بین خود و نیز مقابله با بحران سیاسی - اجتماعی حاکم بر کشور بودند. بر زمینه گسترش جنبش طبقه کارگر و تجزیه و راه دیگالیزه شدن لایه های خرده بورژوازی، اتحاد خلق بمنظور آلترنا تیوی خرده بورژوازی و بیبا نگر ائتلاف بین قبا یی یک بلوک تاریخی متشکل از بورژوازی متوسط، خرده بورژوازی فرمیست و فرمیست های طبقه کارگر، توانست با معرفی ما لود آلترنا تیوی بعنوان کاندیدا یی ریاست جمهوری، پیروزی سخت شکننده ای بدست آورد.

در نخستین گام پیروزی "اتحاد خلق" بیشترین تلاش را برای ائتلاف بین بخشی از بورژوازی بزرگ بمنظور حفظ خویش بکار برد. این تلاش تلاشی قابل درک بود، چرا که "اتحاد خلق" کنترل یکی از نهادهای ماشین دولتی یعنی حکومت را تنها از طریق انتخابات تک گرفته بود، پس برپا شی نظم بورژوازی برای قانویت بخشیدن به چنین طریق کسب قدرتی لازم بود. با زتاب این تلاش "اتحاد خلق" را در گام های که دولت ما لود آلترنا تیوی در طرح برپا می نمود، اقتصاد دی بی بوخا میت کاشش تعدا د موسساتی که قول معادله شدنشان داده شده بود از ۲۵۳ به ۹۱ موسسه و نیز تمویب حدنما ب ۸۰ هکتار برای ما دره زمین - های "آب گشت" در سال ۱۹۷۲، تشکیل کا بینه نیمه نظامی متشکل از فرماندهان مزدور شیلی در اکتبر ۱۹۷۲ و اوت ۱۹۷۳ میتوان بروشنی دید. برای این کوششهای

مداوم بها بی میبا بدپرداخت میشد، و پرداخت چنین بها شی جز در راستای تقویت بخش های سرمایه داری کلان قانویت بخشیدن به عملکردهای خرابکارانه از جانب سیاست بورژوازی و زنیالهای مزدور ارتش و در یک کسلا حفظ آنچه که از انتخابات با رت رسیده بود یعنی ماشین دولتی بورژوازی نمی توانست باشد. و اتحاد چنین سیاست ها شی فقط می توانست به تضعیف با یگا ه توده ای "اتحاد خلق" و ما لوفروپا شی حکومت ما لود آلترنا تیوی بیانجامد.

از سوشی دیگر بدلیل شرایط مکرانک حاکم، توش و توان کارگران و زحمتکشان بمنظور عا ملیها زارنده برای تحقق همه جا نبه و سریع این سیاست ها ران گسترده تر میگشت. چنین توش و توانی، توده ها را در راستا شی به جز آنچه که فرمیست ها در آن گام بر می داشتند،

سوق میداد. جنبش توده ای زحمتکشان برای تحقق خواست های خود هر روز بیشتر از چهارچوب املاحات محدود "اتحاد خلق"، فاصله میگرفت و حکومت ما لود آلترنا تیوی را در می نمود تا پیشرویهای مستقل توده ای را بر سمیت بشناسد.

جنبش دهقانن، شتابان - تحت رهبری "جنبش چپ انقلابی (میر)" - به اشغال و معادله زمینها، خود را فراتر از برنا مه موبه حکومت در زمینه املاحات ارضی مطرح نمود. رشد فزاینده جنبش کارگری موجب معادله تعدا دی بیشتر از آنچه حکومت تنها بتا در با ره موسسات چند ملیتی پذیرفته بود، گشت. توده ها با بسیجی روز افزون، مستقل از حکومت، مکا نیز ما ی سرمایه داران را زیر ضرب قرار میدادند، و در این هکذر در برابر هرگونه تلاش از جانب حکومت برای سازش با طبقه حاکم قرار میگرفتند.

"اتحاد خلق" هر چند نخست در برابر پیشروی جنبش زحمتکشان - حتی گاهی با استفاد از نیروهای سرکوب - مقاومت می نمود، اما در نهایت مجبور میگشت آن را بر سمیت بشناسد. این بر سمیت شناختن که بگونه پذیرفتن امر ما دره، مداخله دولت در امور بنگا های تولیدی و تجاری، و خریدن سهام شرکت ها صورت می یافتن شی از گسترش فوق العاده جنبش توده ای بود. و از همین رو توده ها نیز حکومت را نه در پیشا پیش خود، بلکه در پشت سر میدیدند. حکومت آلترنا تیوی از جنبش توده ای نیرو نمی گرفت، بلکه بالعکس همزمان با اپستا دگی در برابر

جنبش توده ای خود را تضعیف می نمود. همین امر موجب شکاف در میان ارتاب سیاسی تشکیل دهنده "اتحاد خلق" گشت. "اتحاد خلق" دیگر نمی توانست حتی جوا بگوی نتا بی سیاست ها یی قنما دی خود نیز باشد، چرا که این سیاست ها بی ماهیتی اساسا خرده بورژوازی

بسیاری از مناسبات سرمایه داری و عادتا محدود به حوزه معرف بودند و تولید طبقه حاکم علیرغم اینکه حکومت را از دست داده بود و از این رهگذر به منافش لطفا تی نیز خرده بود، توانست بسرعت تجدیدسا زمان نموده و نتا جویش را آغا ز کند. این امر از آنرو مکا ن پذیر بود که این طبقه بمنظور طبقه حاکم تقریبا دست نخورده در صحنه اجتماعی باقی مانده بود و کنترل بخش های بنیانی تولید، ما لوفروپا را در کف خویش نگاه داشته بود. بخش وسیعی از کارخانک زمین های یکشا و رزی "آب گشت" با مساحتی

بین ۴۰ تا ۸۰ هکتار روبا لاتر، بنگا های پس انداز، وام دهی، شرکت های ساختمانی و مقاطعه کاری و غیره زیر کنترل طبقه حاکم بود. از نظر سیاسی نیز آنان قدرت چشمگیری داشتند. از با وسازمانهای سیاسی آنان با در اختیار داشتن دستگاه عظیم انتشاراتی و تبلیغاتی، آزادانه فعالیت میکردند. و نه تنها این بلکه اکثریت پارلمان، کنترل قوه قضا شیه، دفتر دارائی و ستاد نیروهای مسلح را نیز در اختیار داشتند و از حامی بست امپریالیسم امریکا و گوریل های برزیلی نیز برخوردار بودند. از این رو طبقه حاکم توانست مواضع کلیدی را در سیستم تولید صنعتی و کشا و رزی را اختیار خود نگهداشته و با دامن زدن به بورژوازی و گسترش با زارسیا ه که همراه با انسداد اعتبارات خارجی بود، تورم را به حدی وحشتناک بسط دهد. با یگا ه خرده بورژوازی حاکمیت نیز بدینگونه سر خورده از ناتوانی دولت آلترنا تیوی، بدنیاال آلترنا تیوی دیگر میگشت.

بورژوازی بزرگ در طول سال ۱۹۷۱ موفق گشت بخشی از خرده بورژوازی مرفه شیلی را بسمت خود بکشاند. با زتاب این امر میتوان در برپا شی قنما هرات معروف "تا وه ها و گا سها" که توسط سازمانهای ارتجاعی زنان رهبری و در دسامبر ۱۹۷۱ در سانتیاگو انجام شد و با در پیروزی نتا بیسات میان دوره ای در این سال مشاهده کرد. ولی هنوز جناح های طبقه

بقیه در صفحه ۹۰

# پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۹

حاکم ازارائه آلترنا تیوی واحد ناتوان بودند. در اواسط سال ۱۹۷۲ تعدادهای بین جناحهای طبقه حاکم خود را در تلاش " حزب دمکرات مسیحی" برای رسیدن به نوعی سازش با " اتحاد خلق" از یکسو و از سوی دیگر در اتحاد موافقی خرابکارانه تراز جانب جناح " حزب ملی" که حتمی بصورت برپائی سازمان ارتجاعی و سپاه " میهن و آزادی" شکل گرفت، نشان میداد.

با وجود چنین مسائل و معضلاتی، اتحاد خلق بجای روی آوردن و تکیه بر کارگران و زحمتکشان شهر و ده و پنزده های پائین نیروهای مسلح، در جایی دیگر یعنی در روستا - بوروکراسی دولتی و ستاد فرماندهی ارتش برای خویش پناها گاه می جست. " اتحاد خلق" علاوه بر اعطای قانونیت به این بخشها، بگونه ای روز افزون بر اهمیت سیستم کنترل دولت بورژوازی می افزود و همراه با آن به تضعیف نقش خویش مبتنا به محلل و میانجی منافع طبقات گوناگون نیز روی می آورد. رفرمیست ها در راستای اتحاد با بخشی از بورژوازی بزرگ آنچنان سر بر آستان ماشین دولتی بورژوازی می نایندند که حاضر به دادن هر نوع امتیاز به طبقه حاکم به بهای پانهادن بر روی منافس ابغشهای زحمتکش جامعه شدند و سراسر همین ماشین دولتی بود که و طبقه سرنگونی حکومت رفرمیست ها را به گردن گرفت.

آخرین شگرد بورژوازی بزرگ برای قبضه تمامی ماشین دولتی از راه نسالمت آمیز، خود را همانا در ارائه طرح کابینه نیمه نظامی که تحت نفوذ جناح " فراسیمو بود" و از طرف " اتحاد خلق" نیز پذیرفته شد، نشان داد. زمانی که در اواسط سال ۱۹۷۲ کابینه نیمه نظامی در صدد بزرگ کردن کارخانه های مصادره شده سرمایه داران و تهدید قدرت شورا های کنترل قیمت و ذخیره (چاپ STAP) که از ژوئیه ۱۹۷۱ تحت فشار جنبش توده ای برپا شده بود، برآمد، حرکت اعتراضی وسیعی از جانب زحمتکشان از جانب زحمتکشان تحت رهبری " جنبش چسپ انقلابی" (میر) شکل گرفت که در حرکت روبه گسترش خویش اجزای این طرح را عقیم گذارد. عقب نشینی توأم با تائید " اتحاد خلق" در برابر این اقدام " منجر به پیروزی انتخاباتی بزرگ برای " اتحاد خلق" در ماه مارس ۱۹۷۳ گشت.

در فاصله بین آوریل تا ژوئن ۱۹۷۳، جنبش توده ای به اشکال جدیدی از سازماندهی دست یافت. بخشهای وسیعی از حاکمان " اتحاد خلق" روبه رادیکالیزه شدن می نهادند و شورا های " کنترل

## چه کسانی "اسب" تروای امپریالیسم و ضد انقلاب هستند؟

قیمت و ذخیره " بیشتر و بیشتر تقویت میگشتند. در مناطق صنعتی تحت رهبری انقلابیون کمونیست و علیرغم مخالفت رفرمیست ها، شورا های کارگری برای حمایت از اشغال و مصادره کارخانه ها و نیز جلوگیری از خرابکاریها توده های سپاه بورژوازی شکل گرفت. در گوشه و کنار کشور، " شورا های محلی" زحمتکشان، که نمایندگان کارگران دهقانان، سربازان و دانشجویان را در برداشت، زیر رهبری کارگری برپا شدند. این شوراها که بر اساس تقسیم بندی جغرافیائی ارتباط تازه پائی نیز بین خود فراهم آورده بودند، در کنار فعالیتهای سیاسی توده ای، کار تدارک دفاع مسلحانه از دست آوردهای خود را نیز بردوش داشتند. بورژوازی بزرگ سرخورده از بکار گرفتن تمامی شکردها و اهراسناک امیدی را برای براندازی آئنده از طریق انتخابات از دست میداد و تنها آلترنا تیوی که هر دو جناح بورژوازی در برابر خود میدیدند، سرنگونی سالدور آئنده - بهره گیری از نیروی ارتش بود. در ژوئن ۱۹۷۳ یک کودتای نظامی ناموفق که توسط بخشی از هنگ سوم زرهی و در ارتباط با سازمان سپاه " میهن و آزادی" رهبری میشد، نخستین زنگ خطر بود. اما پاسخ " اتحاد خلق" در برابر این کودتای چیزی نبود جز همان موعظه های همبستگی دال براینگه: " سنت دمکراسی در شیلی، سنتی دیرپاست" و " ارتش شیلی در طول تاریخ ثابت کرده است که هیچگاه از بی طرفی دست نخواهد شست". ولی کودتای سه ماه بعد، یعنی آنچه که در سپتامبر ۱۹۷۳ بر رهبری ژنرال پینوشه عضو پیشین کابینه - نیمه نظامی " اتحاد خلق" و قصاب خلق شیلی صورت گرفت، یکبار دیگر این اصل را ثابت کرد، که در جامعه طبقاتی پذیرفتن عملی بنام بی طرفی برابر است با غرق شدن در گرداب حمایت و پناهنده شدن. اینک رفرمیست ها، هم در پهنه شیلی و هم در صحنه جهانی، انقلابیون کمونیست بر رهبری " جنبش چسپ انقلابی" (میر) را بر حسب مسأله

چپ " به سنگ اندازی و اخلاخل در پیوند بین " اتحاد خلق" و بخشی از بورژوازی بر رهبری " چسب دمکرات مسیحی" متهم میکنند، ناشی از عمق تالاب خیانتی است که اینان در آن دست و پا میزنند. در واقع آنچه که عامل بار زارنده بر پائی این پیوند بود، نه عملکردهای " ماوراء چپ"، بلکه بستری مناسبات طبقاتی و خواسته های تاریخی تلنبا شده زحمتکشان شیلی بود که " اتحاد خلق" با در نظر داشت ترکیب گرایشات تشکیل دهند و اش، نه می خواست و نه می توانست به آنها پاسخ گوید. بمبارانی دیگر تجربه شیلی نمونه ای دیگر از شکست هائی است که در تاریخ مبارزات جهانی طبقه کارگر، به علت نبود رهبری انقلابی، پیش می یابند.

### آیا رفرمیست ها، در سهای لازم را از تجربه شیلی آموخته اند؟

ساده انگارانه خواهد بود، هر گاه بر این باور باشیم که تجربه مشخص شیلی، در سهای لازم را به رفرمیست ها، اگر نه در پهنه جهانی حداقل در خود شیلی داده باشد. سه سال پس از کودتای خونین سپتامبر ۱۹۷۳، " حزب کمونیست" (رفرمیست) شیلی، جزه ای بچاپ رساند با نام " ماوراء چپ" اسب تروای امپریالیسم". داده های تاریخی و شبه تحلیل هائی که در این جزوه آمده است، آنچنان تحریف شده، کثیف و انحرافی اند که حتی " حزب توده" نیز که زحمت ترجمه و نشرش را بردوش گرفته است، شرمسار از نهادن بنام " انتشارات حزب توده" بر آن، با نام ساختگی نقی آئنده " انترایسه" بازار عرضه نمود.

در سراسر این جزوه آنچه که به چشم نمی خورد، همانا تحلیلی علمی از رویدادهای گذشته و ارائه برنامه عمل انقلابی است. ولی در عوض آنچه که سراسر جزوه را پوشانده، دروغ، شارلاتانیسم، سیاست بازی بمعنای بورژوازی کلمه و قلب مفاهیم بنیادی مارکسیسم - لنینیسم است. در این جزوه بارها و بارها " جنبش چپ انقلابی" (میر) به " توطئه" برای سرنگونی حکومت سالدور آئنده متهم شده است. این رسم رفرمیست هاست که هر گام انقلابیون کمونیست را در راستای بسیج مستقل طبقه کارگر، به مفهوم " توطئه" در جهت سرنگونی بلاواسطه " جنبش حاکمیت" هائی تعبیر نمایند. اما انقلابیون

بقیه در صفحه ۱۱

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



بقیه از صفحه ۱۰

کمونیست شیلی، حرکت در راستای بسیج مستقل طبقه کارگر را، نه لزوماً بمعنای طرح شعار بلاواسطه سرنگونی در نظر داشته اند. رفیق میگل آتریگراز اعضای رهبری "میسر" و انقلابی کبیری که پس از کودتا در یک نبرد مسلحانه بدست جلادان - پهنوشه بخون غلطید، در اوت سال ۱۹۷۲ در محاصره ای که با خبرنگار روزنامه "شیلی امروز" انجام داد، وظایف و چشم اندازهای راکمه انقلابیون کمونیست برهبری "جنش" چپ انقلابی (میر) در برابر خود قرار داده بودند، بدینگونه تشریح نمود:

"دوره اول هدف انقلاب حرکت در مسیر ناپایداری با جایگزینی یک سیستم معین سلطه است. چیزی که مستلزم حمله به منافع کلی طبقه مسلط است. طبقات مسلط مرفا "متشکل از چند مالک وسایل تولید نیست، بلکه مجموعه ای از منافع اجتماعی و سیاسی است که بطور همزمان باید بر آنها حمله شود. آن بر خورد کرد. مساله ای که اکنون در شیلی مورد بحث قرار گرفته است همین است. برخی از گرایش های موجود در اتحاد خلق سیاستی را در پیش گرفته اند که در آن حمله به بخش های طبقات مسلط از آن حذف شده است. زمانی که اتحاد خلق می خواهد دشمن را مشخص کند، آن را محدود به بعضی از بخش های طبقه مسلط میکند و طبقه مسلط را در کلیت خود دشمن طبقه ای نمی شمارد. بدین ترتیب اتحاد خلق با تعیین ناقص دشمن، در مرحله فعلی با حمله به بخشی از آن عملیات دیگر را تقویت میکند. بدین ترتیب اتحاد خلق در شرایط فعلی حتی دفاع و تحکیم بخشی هایی از بورژوازی را نیز تبلیغ میکند. از نقطه نظر طبقات انقلابی و متحدین شان، در تحلیل های فوق دو خطا به چشم می خورد. - خطای اول ناشی از برداشت نادرست از دشمنان خلق است. دشمنان استن تنها بخشهایی محدود از بورژوازی کشاورزی، یعنی لاتیفوندیست ها و همان حال دفاع از طبقه بخشهای بورژوازی مانع به حرکت در آوردن مجموعه دهقانان فقیر است، مجموعه ای متشکل از پرولتاریای کشاورزی، نیمه بیکاران، اقشار پستی پرولتاریای کشاورزی و دهقانان فقیر. بدین ترتیب استفاده از نیروی عظیم این اقشار از نظر دوره ای ماند. همین مساله در باره کارگران شهری و نیز کارگران صنایع بزرگ هم صادق است. با سیاست فوق تنها میتوان کارگران ۹۱ موزه را ( منظور ۹۱ موزه صنعتی است که می باشد به "بخش دولتی" انتقال یا بدین مبارزه تشویق کرد. بقیه کارگران مربوط به صنایع بزرگ، متوسط و کوچک بسیج نخواهند شد.

# چه کسانی "اسب تروای امپریالیسم و ضد انقلاب" هستند؟

در این حالت تنها به دادن علامیه ها و پیشنهادهای به صنایع متوسط و کوچک، مبنی بر اتحاد سیاسی مشترک، اکتفا نمیشود. خطای دوم آن است که تحلیل اتحاد خلق عمدتاً "منبعث از تحلیل طبقات انقلابی در اروپا است. در این بین حالت اقشار تهیدست شهری - پرولتاریای صنعتی حتماً می باید با آن اتحاددائی برقرار نماید، از نظر دور داشته میشود و در نتیجه رهنمود سیاسی ای نیز بدینها داده نمیشود.

در نقل قول بالا، همانگونه که پیشتر گفتیم، یکسال پیش از کودتای خونین سپتامبر ۱۹۷۳، تحلیل "جنش چپ انقلابی (میر)" از صف بندی طبقاتی و توان زحمتکشان شیلی در روند مبارزه طبقه ای، بروشنی آمده است. تحلیلی که بر خاسته از سرشت مبارزه طبقه ای جاری، بعدها نیز درستی اش را اثبات نمود. اما ضرور است که ببینیم سه سال بعد از کودتا، رفرمیست ها به چه دست آوردهائی رسیده اند:

"حال دیگر بر هیچکس پنهان نیست که مخالفت با برقراری وحدت بین وحدت ملی (اتحاد خلق) و دموکرات مسیحی ها غیر عاقلانه بوده است - حزب دمکرات مسیحی آنچنان که مشهود است یک حزب چند طبقه است که علاوه بر نمایندگان الیگاری انحصاری گروههای وسیعی از بورژوازی کوچک و متوسط با گرایشات دمکراتیک، اقشار میان حال، دهقانان و کارگران را در خود جای داده است. اگر به گونه ای دگما تیک به این حزب نظر بکنیم، آنرا بمثابه یک مجموعه واحد تصور می کنیم. چنین تصویری فعالیت گروههای ارتجاعی بورژوازی تحت رهبری فریبه را تسهیل می نمود" (ما ورا چپ اسب تروای امپریالیسم "صفحه ۱۰).

می بینیم که رفرمیست ها آنچنان برای تشویق کردن نظرات - غایت انحرافی خود در - آلابا پورتونیس فرورفته اند که گویا فراموش کرده اند که در برخورد به احزاب بورژوازی، آنچه که برای پرولتاریا، عاملی تعیین کننده است، همانا سیاست غالب برای احزاب است و نه چندگانگی طبقاتی.

عناصر متشکل در آن. اینک سه پرولتاریا باید در راستای کشاندن لایه های از طبقات زحمتکش که در اینگونه احزاب گرد آمده اند، بسمت خود گام بردارد، فی النفسه گامی است اصولی، اما این تنها با ارائه برنامه عقل انقلابی که خواست های

تاریخی این لایه ها را در برگیرد میسراست و نه از طریق ساخت و پاخت با رهبری این احزاب.

آقایان رفرمیست ها! این برای چندمین بار در تاریخ است که شما این موضع لنینی را فراموش می کنید:

"اگر نشان ندهید که منافع چه طبقاتی وجه منافع خاصی در تعیین ماهیت احزاب مختلف و سیاستهایان در حال حاضر نقش غالب دارند، در واقع این مارکسیسم نیست که به گسار بسته اید، و با کار خود در واقع، تئوری مبارزه طبقه ای را رد کرده اید."

(لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی. انتشارات سهند صفحه ۳۰)

اما آنچه که در شبهه تحلیل رفرمیست ها از دوران حکومت "اتحاد خلق"، جایگاه ویژه ای دارد و رفرمیست ها همچنان به تشویق نمودن نظرات فاجعه آور خویش، پای می فشردند، همانا ارتش بورژوازی و نقش آن در روند مبارزه طبقه ای در جوامع زیر سلطه است. ببینید، رفرمیست ها چگونه به تظهِر ارگان سرکوب بورژوازی می پردازند:

در آن زمان، جنش توده ای در جهت تقویت مواضع مشروطه خواهان در درون نیروهای مسلح سمیت گسری کرده بود. چون این نیرو به حکومت خلق وفادار مانده بود و در برابر تلاشهای فاشیست ها مبنی بر تشویق آنها به حمایت از قدرت الیگاری و امپریالیسم مقاومت می ورزید. حکومت در حالیکه به حمایت مشروطه خواهان تکیه مینمود، سعی بر این داشت که در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور، نیروهای مسلح را نیز شرکت دهد.

(ما ورا چپ اسب تروای امپریالیسم صفحه ۲۲)

البته مراد رفرمیست ها در اینجا از شرکت نیروهای مسلح برای حل "مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور" همانا دعوت از ژنرالهایی چون پهنوشه، جلاد چند ماه بعد کارگران و زحمتکشان شیلی است، به کابینه اشتراکی و نه گام برداشتن در راستای تشکیل شوراهای سربازان و پهنوشه انقلابی ارتش، چرا که در قیام رفرمیست ها، بحث پهنوشه گار در میان سربازان و پهنوشه انقلابی ارتش و برپائی شوراهای سربازان، بقیه در صفحه ۱۲

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک

خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱۱

گام نهادن در راستای "ما و راه چپ" است. اطلاعاتی که میشود به زنیهای مشروطه خواه همچون پینوشه!! و در همین میهنمان با تیمسار مدنی، جلال خلق عسکری و خوزستان کننا آمد، دیگر چه نیازی به تشکل سربازان و پرسنل انقلابی ارتش است؟

### انقلاب هنر پیوستن نیروهاست ونه پیوستن به دیگران

بهترین چیز گفتیم که تجربه مشخص شیلی یکی از مدها موردی است که در پهنه مبارزات طبقه کارگر، بهترین دو خط، دوگرایش و دو سیاست را در قبایل مسئله کمیت و کیفیت و در این راستا، ارائه برنامه عمل انقلابی برای کشاندن متحدین پرولتاریا به محنت مبارزه ای واحد از یکسو، و از سوی دیگر تن دادن به بقایای انفعالی و لنگ لنگان از بی مبارزات توده ها خود را کشیدن و نیز غزیدن زیر پرچم دیگران در قدرت را، بروشنی نشان میدهد. اما تجربه فاجعه آور شیلی که جای خود دارد، برای رفرمیست ها حتی تجارب مبارزات طبقاتی در سراسر طول تاریخ بشری، چه نیستی و نخواهد بود جز داده های پراکنده و ناپهوسته ای که با بدبر

## چه کسانی "اسب تروای امپریالیسم ضد انقلاب" هستند

بنیاد آن "تئوری سازش طبقاتی" را ارتقاء داد. در زمینه مشخص شیلی، اپورتونیست ها، بسیار تلاش دارند که با پنهان گشتن پشت سر سالوادور آلنده سوسیالیست ها، تا نشانه از بار مسئولیتی که در شکست "اتحاد خلق و هجوم خفاشان پینوشه، داشته و دارند، خالی کنند. اما سربازان انقلابیون کمونیست، مواضع آلنده تنها در چهارچوب آنچه خود بود، یعنی عضو "حزب سوسیالیست شیلی" قابل ارزیابی است و نه بیشتر. اما کسانی که بدو داغ در دست داشتن پرچم سرخ پرولتری را داشتند و جزیشا در احزاب کمونیست شیلی، "حزب طراز نوین طبقه کارگر شیلی" می نامیدند و می نامند با بد خود "پاشگویی" اشتباهات (که این بخودی خود بد است، و از این بدتر تلاش در تئوریزه کردن این اشتباهات است) باشند. عملکرد آلنده سوسیالیست همانی بود که به آن باور داشت. ادعای بیشتری نیز هرگز نکرد و با مرگ او همانا نه خود بهای

باورش را نیز پرداخت. ولی شما آقایان رفرمیست ها! بهترین است به جای مرشیه سرائی در باره آلنده، کمی هم از خودتان سخن بگوئید؟ انقلابیون کمونیست شیلی، زیر رهبری "جنبش چپ انقلابی (میر)"، بیشترین تلاش را در آموختن از تجربه دردناک سپتامبر ۱۹۷۳، بکار بردند. عملکرد هشت ساله این رفقا، پس از کودتا، خود نمایانگر این آموختن است. هم اینک در شیلی "جنبش چپ انقلابی (میر)" دیگر آن سازمان کوچکی نیست که ۱۳ سال پیش بدنبال حاکمیت اپورتونیستی بیکران بر "حزب کمونیست (رفرمیست) شیلی" بود بلکه بمثابه ارائه آلترنا تیبوی انقلابی، خود را در پهنه مبارزات طبقه کارگر و دیگر حرکتشان شیلی، نمایانده است. اینک در هر کارخانه، در هر کارگاه، در میان کشاورزان - تهیدست، میتوان از "میر" سراغ گرفت. "جنبش چپ انقلابی (میر)" در راستای مبارزه برای بسیج و تشکل مستقل طبقه کارگر، یک لحظه نیز از اهمیت وظیفه تاریخی کشاندن متحدین پرولتاریا به صحنه مبارزه و سازمان دادنشان، استفاده از هر توش و توان خفته ز محنت کشان را در راستای مبارزه برای برپائی شیلی عاری از استثمار، شیلی سوسیالیست، فروگذار نمی کند. چرا که "میر" برای باور است که: انقلاب هنر پیوستن نیروهاست و نه پیوستن به دیگران ●

## اخراج شیوه دیگری دوسرکوب مبارزات کارگران

بقیه از صفحه ۴

در یک بررسی اجمالی از همین نمونه ها میتوان به نقش شوراها در این رابطه و در این مرحله پی برد. نبودن تشکلهای واقعی عمدتاً شوراها، انقلابی در کارخانجات، دست سرما به داران در اخراج کارگران آگاه بازمیگذارد. در واقع در کارخانجاتی که شوراها انقلابی حضور ندارند، سرما به داران و عواملشان دوسرکوب مبارزات کارگران را از طریق اخراج کارگران آگاه تقریباً به آسانی پیش میبرند. در مواردی نیز که شوراها انقلابی در کارخانه ها وجود دارند، غالباً هنگامی که اخراج کارگران مواجه میشود که با پیوستن هدا انقلابی به شوراها و انجمن آنها روبرو هستیم، لیکن در کارخانه هایی که شوراها انقلابی موجود بوده و کارگران حول آن متشکل شده باشند، این تشکل تا حدی برای مانع اجرای توطئه های فدکارتی سرما به داران است. مثلاً دروا عداستانها ردگش طی و با

در کارخانه سیمان شوراها حمایت کارگران و حرکت پیگیر خویش مانع اخراج کارگران آگاه شده اند و با... از اینرو ضرورت حفظ و تشکلهای شوراها، انقلابی در تحقق خواستهای کارگران و جلوگیری از اخراج هر چه بیشتر خود را نشان میدهد. اما همچنانکه در همین نمونه ها نیز شاهدیم در برابر اخراج کارگران بطور عینی و در سطوح و اشکال گوناگون به مبارزه بر می خیزند. بعضاً رتی دیگر در برابر این حرکت فدکارتی و ضد دمکراتیک همواره اعتراض در اشکال گوناگون شکل میگیرد. وظیفه کارگران پیشروست که به بهره گیری از این زمینه عینی بطور سنجیده این مبارزات را سازماندهی نموده و ارتقاء دهند. کارگران پیشرو باید ایده مجمع عمومی و شرکت کارگران را اخراجی را در توضیح دلایل اخراج را در میان کارگران طرح کرده و از این وسیله ای افشاگرانه بدل سازند. آنان می باید استادگی مقاومت بکنند و کارگران را با استادگی در برابر جو اخناق را وسیعاً تبلیغ نمایند. و با لاف ضرورت تشکل شوراها برای مقابله متحد در برابر سرکوب و ایجاد فضای دمکراتیک را بمانند کرده کارگران برده و آنرا عمق بخشند. اما حرکت دیگری که کارگران آگاه برای مقابله با اخراج و پیشبرد

مبارزات توده کارگران نمیتوانند انجام دهند، ایجاد "صندوق بیکاری" است. کارگران اخراجی تعدادی از واحدها در مبارزه پیگیر و با کسب آگاهی و تجربه صندوق بیکاری را تشکیل داده اند. کارگران با تشکیل این صندوقها قادر خواهند بود مقاصد فدکارتی سرما به داران را با شکست مواجه سازند. هدف سرما به داران از اخراج یا تهدید به اخراج، محروم کردن کارگران از زندگی است که به سختی کفاف حداقل هزینه زندگی آنها را میدهد. بدین تشریب سرما به داران میکوشند با تهدید به گرسنگی و غول فقر و فلاکت کارگران را از مبارزه محروم طلبانه خود منصرف ساخته، مبارزات را سرکوب و بهره کشی از کارگران را همچنان وحشیانه ادامه دهند. از اینرو تشکل صندوق بیکاری میتواند حتی در صورت اخراج بمانند تا همین زندگی کارگران اخراجی تا حدی مانع این توطئه سرما به داران شده و مبارزه کارگران را در اشکال مختلف ادامه دار نماید. کارگران آگاه و پیشرو میتوانند با تشکل صندوق بیکاری و جذب کارگران بدان از طریق توضیح علل اخراج و ضرورت مقابله با آن مبارزه را در خارج از کارخانه وسیله اخراجیها و هم درون کارخانه وسیله توده کارگران برای بازگرداندن اخراجیها هدایت نمایند ●



# رژیم جمهوری اسلامی در جهت بازسازی صنایع وابسته گام بر میدارد

بقیه از صفحه ۱

این گونه اخبار عموماً به سکتور برگزار میشوند و در صورت اجبار در گوشه‌ای از صفحات میانی و آنهم بطور خلاصه و سرودم بریده عنوان میگردد، و صدا البته طبیعی است که اینگونه موضوعات در رادیو و تلویزیون حرام بوده و خلاف مصالح جمهوری اسلامی است.

یکی از این مسائل، موضوع "ابقا" قراردادهای مربوط به خرید قطعات و وسایل مورد نیاز و ادامه بکار کارخانه‌ها و صنایع وابسته بهمان شکل سابق است.

بعنوان مثال روزی نامه جمهوری اسلامی مورخه ۵۹/۱۲/۲۰ موضوع پراهمیتی چون تمدید قرارداد بین ایران و انگلستان در مورد ارسال قطعات مورد نیاز مونتاز پیکان با شرکت تالپوت در یک گوشه روزنامه

آنهم در صفحه ۱۰ بجا پ رسیده است البته این گونه خیانت‌ها از نظر اولیای امور مملکتی امری عادی و بسیار روزمره است. چرا که هرگز نمیتوان در آن واحد دو کار رضو و نقیض را انجام داد، یعنی نمیتوان از یکسو برای تحمیل زحمتکشان و کاستن از نفوذ سازمانهای انقلابی، بخشی از برنامه‌های رادیو و تلویزیون و صفحات روزنامه‌های وابسته را به

زشتیای ضد امپریالیستی آنچنانی و به وجهی که گفتن در رابطه با "عدم وابستگی و رشد خودکفائی" و اختصاص داد و در عین حال در همان روزنامه و بخدای ناکرده همان رادیو و تلویزیون در حد اهمیت موضوع سخن از

تمدید قرارداد با امپریالیستها به میان آورد. چه در آن صورت زحمتکشان از مقایسه مطالب ضد و نقیض عنوان شده، بسادگی به ماهیت آقایان که همانا حمایت بی‌دریغ از سرمایه‌داران است، پی میبرند.

مثلاً تصور کنید آقایان تا چه مدت میتوانستند بر خرماد سوار برمانند اگر قرارداد بود گفتن آقای اشتیاق مدبرعامل شرکت سایبا (مونتاز کننده رنو، پیکاب، مهار ریوژیان) که در لابلای روزنامه جمهوری اسلامی

مورخه ۵۹/۶/۱۸ در چند سطر خلاصه شده و حکایت از این‌ها دارد با وجودیکه دولت "برای هردستگاه (رنو) در حدود ۱۰ هزار تومان زیان منجم "میشود ایشان سعی دارند تولیدات تومبیل شرکت را از ۵۰ عدد در روز به ۱۳۰ عدد برسانند و قول میدهند که امسال "تومبیل رنو" جدید به بازار

می‌آید، به همان وسعت در رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها انعکاس می‌یافت که گفتن آقای رجائی در

رابطه با توجه علت گران گسره ن رخ بزین مبنی بر اینکه "در کشور فقط اقلیتی هستند که از ماشین شخصی استفاده میکنند.

(خبرگزاری پارس ۲۸ دی) چه در این صورت هر زحمتکشی هر چند نا آگاه برای خود این سؤال را طرح میکرد که اگر جایش حامی زحمتکشان است و واقعا راست میگردد که اقلیتی از ثروتمندان از ماشینهای شخصی استفاده میکنند، پس چرا دولت ایشان از کیمه "امت جنگ زده و فقیر، برای تولید هر رنوو ۱۰ هزار تومان بدل و بخش می‌کند،

قراردادهای فی‌ما بین ایران و امپریالیستها را تمدید می‌نماید، و حتی قصد دارند تولید را نیز افزایش دهند؟

**اتومبیل رنو جدید به بازار می‌آید**  
● مراحل حاضر اتومبیل رنو به هیئت ۵۱۱۲۵ تومان به بازار عرضه میگردد  
● اتومبیل رنو جدید در کشور تولید شده و دارای موتور ۱۳۰۰ سی‌سی است.  
● دارای سیستم تعلیق مستقل است.  
● دارای سیستم ترمز هیدرولیک است.  
● دارای سیستم فرمان هیدرولیک است.  
● دارای سیستم تهویه مطبوع است.  
● دارای سیستم صوتی است.  
● دارای سیستم روشنایی است.  
● دارای سیستم تابلوهای راهنما است.  
● دارای سیستم تابلوهای هشدار است.  
● دارای سیستم تابلوهای اطلاعات است.  
● دارای سیستم تابلوهای هشدار است.  
● دارای سیستم تابلوهای اطلاعات است.

و با فرض کنید اگر قرارداد مطلوب خلاصه شده در چند سطر که در گوشه‌ای از روزنامه صبح آزادگان - مورخ ۵۹/۵/۱۶ مبنی بر اینکه "رنو، شرکت اتومبیل سازی آلمانی فرانسه در حال افزایش کمکهای مالی خود به شرکت موتورهای آمریکا، ای - ام - سی، می‌باشد " در کنار گفتار مسئولان شرکت رنو ایران مبنی بر اینکه میخواهند تعداد تولید را

افزایش دهند، به همان وسعت در رسانه‌های گروهی انعکاس می‌یافت که ما نورهای تو خالی غذا امپریالیستی حضرات، آنگاه "امت قهرمان" چه بر سر حضرات می‌آورد. و آیا کارگران شرکت سایبا و امثال آن حتی بیک لحظه در ضد کارگری بودن شعار

"افزایش تولید" که مرتباً از جانب رژیم و اپورتونیسیتها تکرار میشود، تردید میکردند؟ چرا که آنان به سادگی می‌فهمیدند که افزایش تولید

در سایه یعنی اولامک ۰۱ هزار تومان از کیمه زحمتکشان - کسانی که میخواهند رنوو آرشوند و ثانیاً " و مهمتر کمک به کمپانی رنوو فرانسه برای فروش هر چه بیشتر قطعات و وسایل رنوو به ایران و نهایتاً برای رسانیدن به رنوو فرانسه برای افزایش کمکهای مالی خود به کمپانی ای - ام - سی آمریکا، برای جلوگیری از ورشکستگی آن!

و یا حتی در مورد مسئله ترافیک دولت به همین گونه عمل میکند. از یکسو تبلیغات گوش‌خراش بر راه می‌اندازند که میخواهند مشکل ترافیک را بنفع زحمتکشان حل کنند و طرحهای طبقه ۱ و ۲ میدهند و از سوی دیگر در لابلای روزنامه‌ها از قول مسئولان شرکت‌های اتومبیل سازی دولتی (سایبا) در می‌کنند که "تولید این کارخانه تا این اواخر بعلت تحریم اقتصادی و کمبود لوازم بدکی کاهش یافته بود اما ما با برداشتن تحریم و... امیدواریم که به سطح تولید قبلی برسد.

(میزبان ۱۹/۱۲/۵۹) شاید اکنون عده‌ای بپرسند که چه باید کرد و حتی با شنیدن فردی که بگوید اگر قرار بر این باشد که پیکان و رنوو پیکاب و... تولید نشوند، کارخانه تعطیل میشود، کارگران - بیگار میگردند، ماشین آلات از بین میروند و به همین دلایل دولت مجبور است برای جلوگیری از خسارات، گرچه با اکراه، اجازه ادامه فعالیت به این صنایع وابسته را بدهد.

بعقیده ما اینگونه افکار در نتیجه تبلیغات رژیم برای توجیه ادامه فعالیت صنایع وابسته بوجود آمده که هیچ پایه و اساسی ندارد، چرا که اولادولتی که هزاران تن از انقلابی ترین کارگران و کارمندان و معلمین و... را اخراج کرده و می‌کند و برای زیبایی شهر از بیگار کردن ده‌ها داران زیبایی سرم ندارد، نهدش برای تعطیل کارخانه سوخته و نه برای بیگار شدن کارگران ثانیاً نه تنها احتیاج به بستن کارخانه و اخراج کارگران نیست، بلکه همچنانکه در وقتنا کم و کوب و سایر دیگر کشورهای انقلابی انجام شد، اگر دولت انقلابی بود، میتواند با صرف هزینه‌ای اندک و با تغییر خط تولید، بجای اتومبیل‌های شخصی، توبوس و مینی بوس تولید نماید، تا هم مشکل کمبود توبوس و مینی بوس که اکنون از آلمان و دیگر کشورهای امپریالیستی وارد میشود حل شود، هم از مشکل ترافیک کاسته شود، هم کارگران جدید استخدام شوند، هم امپریالیستها کمکی نشود هم...

اما از آنجا تنگه دولت جمهوری اسلامی چا می‌رساند و در ضمن کارگران و زحمتکشان است، نه تنها هرگز قادر به انجام کارهای از این قبیل نبوده و نیست، بلکه برای نزدیکتر شدن به امپریالیستها اجباراً بیش از پیش در مقابل زحمتکشان صف‌آرایی خواهد کرد.

نتیجه تبلیغات رژیم برای توجیه ادامه فعالیت صنایع وابسته بوجود آمده که هیچ پایه و اساسی ندارد، چرا که اولادولتی که هزاران تن از انقلابی ترین کارگران و کارمندان و معلمین و... را اخراج کرده و می‌کند و برای زیبایی شهر از بیگار کردن ده‌ها داران زیبایی سرم ندارد، نهدش برای تعطیل کارخانه سوخته و نه برای بیگار شدن کارگران ثانیاً نه تنها احتیاج به بستن کارخانه و اخراج کارگران نیست، بلکه همچنانکه در وقتنا کم و کوب و سایر دیگر کشورهای انقلابی انجام شد، اگر دولت انقلابی بود، میتواند با صرف هزینه‌ای اندک و با تغییر خط تولید، بجای اتومبیل‌های شخصی، توبوس و مینی بوس تولید نماید، تا هم مشکل کمبود توبوس و مینی بوس که اکنون از آلمان و دیگر کشورهای امپریالیستی وارد میشود حل شود، هم از مشکل ترافیک کاسته شود، هم کارگران جدید استخدام شوند، هم امپریالیستها کمکی نشود هم...

اما از آنجا تنگه دولت جمهوری اسلامی چا می‌رساند و در ضمن کارگران و زحمتکشان است، نه تنها هرگز قادر به انجام کارهای از این قبیل نبوده و نیست، بلکه برای نزدیکتر شدن به امپریالیستها اجباراً بیش از پیش در مقابل زحمتکشان صف‌آرایی خواهد کرد.

نتیجه تبلیغات رژیم برای توجیه ادامه فعالیت صنایع وابسته بوجود آمده که هیچ پایه و اساسی ندارد، چرا که اولادولتی که هزاران تن از انقلابی ترین کارگران و کارمندان و معلمین و... را اخراج کرده و می‌کند و برای زیبایی شهر از بیگار کردن ده‌ها داران زیبایی سرم ندارد، نهدش برای تعطیل کارخانه سوخته و نه برای بیگار شدن کارگران ثانیاً نه تنها احتیاج به بستن کارخانه و اخراج کارگران نیست، بلکه همچنانکه در وقتنا کم و کوب و سایر دیگر کشورهای انقلابی انجام شد، اگر دولت انقلابی بود، میتواند با صرف هزینه‌ای اندک و با تغییر خط تولید، بجای اتومبیل‌های شخصی، توبوس و مینی بوس تولید نماید، تا هم مشکل کمبود توبوس و مینی بوس که اکنون از آلمان و دیگر کشورهای امپریالیستی وارد میشود حل شود، هم از مشکل ترافیک کاسته شود، هم کارگران جدید استخدام شوند، هم امپریالیستها کمکی نشود هم...

اما از آنجا تنگه دولت جمهوری اسلامی چا می‌رساند و در ضمن کارگران و زحمتکشان است، نه تنها هرگز قادر به انجام کارهای از این قبیل نبوده و نیست، بلکه برای نزدیکتر شدن به امپریالیستها اجباراً بیش از پیش در مقابل زحمتکشان صف‌آرایی خواهد کرد.

نتیجه تبلیغات رژیم برای توجیه ادامه فعالیت صنایع وابسته بوجود آمده که هیچ پایه و اساسی ندارد، چرا که اولادولتی که هزاران تن از انقلابی ترین کارگران و کارمندان و معلمین و... را اخراج کرده و می‌کند و برای زیبایی شهر از بیگار کردن ده‌ها داران زیبایی سرم ندارد، نهدش برای تعطیل کارخانه سوخته و نه برای بیگار شدن کارگران ثانیاً نه تنها احتیاج به بستن کارخانه و اخراج کارگران نیست، بلکه همچنانکه در وقتنا کم و کوب و سایر دیگر کشورهای انقلابی انجام شد، اگر دولت انقلابی بود، میتواند با صرف هزینه‌ای اندک و با تغییر خط تولید، بجای اتومبیل‌های شخصی، توبوس و مینی بوس تولید نماید، تا هم مشکل کمبود توبوس و مینی بوس که اکنون از آلمان و دیگر کشورهای امپریالیستی وارد میشود حل شود، هم از مشکل ترافیک کاسته شود، هم کارگران جدید استخدام شوند، هم امپریالیستها کمکی نشود هم...

اما از آنجا تنگه دولت جمهوری اسلامی چا می‌رساند و در ضمن کارگران و زحمتکشان است، نه تنها هرگز قادر به انجام کارهای از این قبیل نبوده و نیست، بلکه برای نزدیکتر شدن به امپریالیستها اجباراً بیش از پیش در مقابل زحمتکشان صف‌آرایی خواهد کرد.

نتیجه تبلیغات رژیم برای توجیه ادامه فعالیت صنایع وابسته بوجود آمده که هیچ پایه و اساسی ندارد، چرا که اولادولتی که هزاران تن از انقلابی ترین کارگران و کارمندان و معلمین و... را اخراج کرده و می‌کند و برای زیبایی شهر از بیگار کردن ده‌ها داران زیبایی سرم ندارد، نهدش برای تعطیل کارخانه سوخته و نه برای بیگار شدن کارگران ثانیاً نه تنها احتیاج به بستن کارخانه و اخراج کارگران نیست، بلکه همچنانکه در وقتنا کم و کوب و سایر دیگر کشورهای انقلابی انجام شد، اگر دولت انقلابی بود، میتواند با صرف هزینه‌ای اندک و با تغییر خط تولید، بجای اتومبیل‌های شخصی، توبوس و مینی بوس تولید نماید، تا هم مشکل کمبود توبوس و مینی بوس که اکنون از آلمان و دیگر کشورهای امپریالیستی وارد میشود حل شود، هم از مشکل ترافیک کاسته شود، هم کارگران جدید استخدام شوند، هم امپریالیستها کمکی نشود هم...

# شکجه در کوچه و خیابان

## دو گزارش از یک رفیق هوادار

### گزارش اول

به چهار راه کالج که رسیدم یک ربع به سه بود. دایتم روزتا سه ها را از رفیق می گفتم که سروکله آنها پیدا شد. سه نفر بودند. سوار بر موتور هوندا ی ۱۲۵ سه به کتانی هسته گردند و پیش آمدند. وساک رفیق را که مندر به کار ۹۵ در آن بود با پندند. رفیق گریخت و مزدوران با موتور او را تعقیب کردند. من هم با شتاب دنبال آنها رفتم. می دویدم (موتورم را جانی گذاشته بودم و برای احتیاط کلید را به رفیق سپرده بودم) وقتی به رفیق رسیدم او را گرفته بودند. او را میزدند. از دهانش خون میریخت. دو نفر از مزدوران او را گرفته بودند و بسوی موتور هوندا ی ۱۲۵ می کشیدند. مزدور دیگری سوار بر موتور آمده حرکت بود. با فریادیه اعتراض برداختیم. ولش کنید، ولش کنید. بطرف موتور خیز برداشتم. یکی از آنها مرا به پیاده رو کشانید و نگه داشت. موتور حرکت کرد و دور شد. یکی از مزدوران مرا زیر ضرب مشت و لگد گرفته بود. می گفت مرا می شناسی؟ من سید دیوانه هستم و مرتب مرا با مشت و لگد می کوفت. تمام نیروی مرا بکار گرفته بودند تا از او جدا شوم. بالاخره او را پرت کردم و یک میدان در جهت حرکت موتور دویدم که ناگهان دو موتور سوار تا زه رسیدند. مرا گرفتند و روی موتور میخکوب کردند و موتور هم حرکت کردند. دو موتور سوار دیگر هم رسیدند و آنها را اسکورت می کردند. با فریاد، هم نظور که در حرکت بودیم برسیدند کارها را از کجا آورده ای؟ گفتیم من ما برم. چرا بی خود مرا گرفته ای؟ گفتند ساک را از کجی گرفته ای؟ گفتیم من ما برم. من از ساک خبری ندارم. نزدیک چهار راه تخت جمشید - مهدق سمت راسته وارد کوچه فرعی شدند و بعد بکوچه ای بن بست پیچیدند. مرا پیاده کردند. رفیق که هما نظور از دهانش خون میریخت کنار دیوار ایستاده بود. مرا بطرف رفیق هل دادند و بعد شدت تمام با مشت و سیلی ولگد، دسته جمعی به جان ما افتادند. ضربه ها بیشتر روی سروکله گاه ما فرود می آمد. از شدت ضربه های پیاپی بزمین غلتیدم و زیر ضربه ها به خود می پیچیدم. کوچه بن بست بود و سروکله کسی پیدا نمی شد. جلوس بن بست را می پاشیدند. نیمه هوش بودم اما خود را به پیوهشی زدم تا شاید در مان بمانم. مرا از زمین بلند کردند. گفتند مدار قعیه قیلم با زنی کن. ما را روی موتور ها نشانده و گرفتند و موتور ها با زبسه حرکت در آمد. مصدق... کریم خان...

حافظ شمالی... و نا در شاه و با زکوهی بن بست. در انتهای بن بست نگاه داشتند و در حالیکه با مشت و لگد به سرو صورت خونا لود ما می کوفتند گفتند بر بویید. ما زخمی و بدون تفنگ دل راه افتادیم با موتور دنبال ما می آمدند و با مشت و ضربه لگد آنها به این سوی و آن سوی پرت می شدیم. از کوچه بیرون میمدیم. رجاله ها رفتند و اولین ماشینی که رسید دست تکا زدند. او را ننداده است که رنگا هنی به سرو صورت خونا لود ما انداخت و نگاه داشت.

آنها سوئیچ موتور ۱۵۰۰ تومان بول و کلاه و دستکش رفیق را با خود بریده بودند.

### گزارش دوم

دوشنبه ۵۹/۱۱/۱۸ بعد از ظهر داشتم از میدان ولی عمر می گذشتم. بهر بجه ۱۵ ساله ای جلوم پرید و گفت: مرا که می شناسی ها؟ او را دقیقاً بیا ددا شتم. یکی از مها جمین میدا. آن را زدی بود. روز جمعه چند بار با او برخورد داشتم. با همین سن و سال، ساعت ها بعد دنا شتم از با ساران کمیته منطقه ۱۰ است. همین که جلوم سبزشد به موقعیت مشکوک شدم. آهسته آهسته اطراف مرا پاشیدم. چهره هائی در گوشه و کنا را مثل سایه با من می آمدند. چهره هائی که آنها را می شناختم دودسته بودند. دسته اعرا در جریان هجوم به میتینگ هفدهم بهمن در میدان آزادی دیده بودم و دسته ای دیگر را که آشنا تر هم بودند در جریان تحقیق و شکنجه خودم رفیقم که از چهار راه کالج شروع شد و از گزارش کردم. آنها در جریان هجوم به میتینگ هفدهم بهمن هم بودند. سعی کردم خون سرد باشم. آهسته بسوی یکی از آنها رفتم. کا ملادر محاصره بودم. به فالانزی که در جریان چهار راه کالج (واقع قبلی) نقش عمده داشت رسیدم. همینکه به او رسیدم گفتم: در میدان آزادی خوب ضرب شستی نشان دادی. گفتم: حرف عوض نکن. موتور من کو؟ و چند قدمی با او برداشتم. کا ملادر محاصره بودم. از حلقه محاصره بسوی رتنگ شده بودم. از پشت سر صدای چیزی شنیدم و مثل فنس جستم و گریختم. پشت سرم دهها نفر فریاد میزدند: بگیرید بگیرید. دزد. دزد کیف دزد. هما نظور که میدویدم جیبهایم را تمیز کردم. مردم کاری با من نداشتند. بنظرم میزدند و رنمی کردند. اما سز دوران به من رسیدند. مرا گرفتند و بنا م دزد، در پیاده رو، جلوشم مردم شدت کتک زدند هجوم و ضربه های آنها چنان برق آسا بود که مجال افشگری نیافتم. تنها فریاد میزدم، بجرم شوکت در میتینگ جمع و مدایم در کلمه می شکست او با شان کلت هایشان را کشیده بودند کلت بدستان مرا به درون ما شین اداره آکا هی کشیدند. او را ننداده لباس شهربانی داشت. از او خواستم مرا به کلانتری هفت

خیابان فلسطین بسرد. فریاد دزد: من این را هنها را می شناسم. آنها چهار روز پیش موتور و پولها هم را به سرقت برده اند. آنها مرا به کلانتری ۵ واقع در نا در شاه - سنائی بردند و به بخش کمیته آن تحویل دادند. یکی از مزدوران که در هجوم به میتینگ هفدهم نقش بسیار عمده داشت گفت: بسادت هست در میدان آزادی گفتم تو را اعدام می کنم؟ اما لاوتش رسیده است. با این اعدامت می کنم. فالانزی، مثل غول جلو آمد. چاقوی سلاخی در دست داشت. با یک دستی بیینی ام را کشید و چاقوی سلاخی را روی آن گذاشت. بعد گونام را کشید و چاقوی سلاخی را روی نگرفت و بیکر می زد. گفت: تکه تکه می برم و در دهانت می گذارم تا مزه مزه کنی. هر کسی چیزی می گفت. یکی می گفت من در میدان آزادی با اهره سر بریده ام. بالاخره جرم من آنطور که همه تکرار می کردند سر بریدن با اهره شد! (بعد دنا شتم این اصطلاحی است برای شرکت کنندگان در میتینگ هفدهم بهمن) آنها میگوشتند مرا به کمیته ۱۰ سپردند. اما کمیته کلانتری ۵ رضا نمیداد. میگفتند با پدهمین جا بماند. مسئولیت دارم و تلفن پشت تلفن تا اینکه پاسدار رسید. اتاق را ورا ننداز کردنگا هن روی من ماند و گفت: بله، خودش است. در تربیت معلم خودم از میله ها او را پاشین کشیدم. گفتم: این حرف ها همه اش ساختگی است. موتور و پولها هم را به سرقت برده اند و چون میدا شتم او را کوک کرده اند به سر عت همه چیز را بلند بلند تعریف کردند تا نظورش را به سرقت او با شان بر گردانم. فریاد دزد ساقرای می شناسم. همین جا است. امروز او را در جیبان دیدم. جلورفتم تا موتورم را طلب کنم و آنها به من گفتند تو با اهره سرکشی را بریده ای! (همین رفتار من بعد بسیار مشهور واقع شد) یکی از پاسداران نزدیک آمد و گفت اما جرم دزدان تو است. سرقت به همکار روبرو دارم. به یکی از او با شان اشاره کردم و گفتم من از این شکایت دارم. او موتور و پولها هم را دزدیده است. مشخصات او را چهار روز قبل نوشته ام. حالا همه پیچ می کردند و بعد شروع کردند به سوال: اسم رفقا بیت را بگو. میتینگ سازمان از کجا اداره می شد. با صدای بلندی نام او آدرس خیالی خود را گفتم و فریاد دزد می شناسم خیال می کنید من چه کاره ام؟ همین حرکت سریع و قاطع من راه را بر هر گونه سوال دیگر بست. بعد کا غذی است وریس کردند و مرا به کمیته منطقه ۱۰ اعزام کردند. مزدوران مرا به طبقه دوم کمیته منطقه ۱۰ بردند. همین جا دریا فتم که تمام این او با شان خیابان گردن ساران کمیته منطقه ۱۰ هستند. آخوندی در طبقه دوم نشسته بود و با صلاحیه کارها برسدگی می کرد. بعد مرا به حیاط بردند. حیاط رو پوشیده بود. مرا به گوشه حیاط بردند و با مشت و لگد و قنای

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکجه گرسواکی ست اعدام باید گردد

# اخباری به نقل از "اخبار آذربایجان" نشریه خبری - فرهنگی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آذربایجان

نخستین شماره ی "اخبار آذربایجان" نشریه ی خبری - فرهنگی "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آذربایجان" انتشار یافت. در سرمقاله این شماره، "مطلع ساختن هم میهنان مبارز و زحمتمندان ایران از وقایع و رویدادهای آذربایجان و انتقال تجارب و آزمونهای مبارزات و بالاخره رساندن صدای کارگران و زحمتمندان این خطه از وطنمان به گوش زحمتمندان سایر مناطق ایران" به عنوان هدف انتشار این نشریه عنوان شده است. "اخبار آذربایجان" به زعم آن که در آغاز راه است، پربار و خواندنی است. به ویژه که رفق با افزودن بخش فرهنگی به نشریه آن را غنی تر کرده اند. در سرمقاله، در این باره آمده است: "هدف دیگری که نشریه در مدتوان خود می خواهد آن را دنبال کند، احیاء ادبیات انقلابی و فولکلوریک آذری است. ادبیات و فرهنگی که بنا به خصلت مبارزه خویانه اش با طبقات ستمگر حاکم، که در بندهند اشعاع روح حاکم و آن موج میزند، همواره مورد بی مهری و آماج خشم و سرکوب حکمرانان مرکزی و طبقه حاکم بوده است. در این شماره ی "اخبار آذربایجان" اخبار کارگری، اخبار روستایی، اخبار دانش آموزی، ادبیات انقلابی، و خبرها و گزارشهای متنوع دیگری چاپ شده است. ضمن آرزوی موفقیت هر چه بیشتر برای رفقای منتشرکننده نشریه، در زیر دو خبر از "اخبار آذربایجان" را نقل میکنیم.

## برنج های ارسالی به جبهه جنگ، از بازار تبریز سر در آورد!

اخبار موارد مختلفی دیده شده است که هدایای ارسالی زحمتمندان به جبهه های جنگ با عراق، مجدداً از طریق بازار به خودشان فروخته شده است!

ماجرای زیر، نمونه ای از این طنز تلخ نظام سرمایه داری است. در محله... تبریز خانواده ای از خواربار فروش سر محل یک گونی برنج می خورد، زن خانه که به قصد پاک کردن برنج در گونی را بازمی کند، ناگهان در لایبای برنجهای چشمش به یک بسته ی کاغذی می افتد، نخست می ترسد که شاید بمب باشد، همسایه ها را خبر می دهد، می آیند و پس از مدتی تبادل نظر با احتیاط شروع به باز کردن نخ دور بسته می کنند...

اما با کمال تعجب مشاهده می کنند که در داخل آن یک نامه پر مهره - سراز زحمتمندی در دست است که پس انداز خود را صرف خرید این گونی برنج کرده، به این امید که بدست برادرانش در جبهه های جنگ برسد... اما غافل از آن که دولتی که او بدان اعتماد کرده است، امید و آرزوی او را بدین گونه از بازار منفعت مورد معامله قرا خواهد داد.

## تسخیر ساختمان مدرسه عالی حسابداری، توسط گروهی از خانواده های آواره!

آوارگان جنگ زده محل سابق مدرسه عالی حسابداری را تصرف کردند. در روز ۱/۸/۶۰ حدود ده خانوار آواره خوزستانی اعم از عرب و فارس به محل مدرسه عالی حسابداری در خیابان ایران شهر آمدند، تا با اشغال ساختمان سرپناهی برای خود داشته باشند. از اوایل بعد از ظهر بود که خانواده های آواره در محل ساختمان بلا استفاده ی مدرسه عالی حسابداری جمع شدند، ما مورین شهر با نسی نیز که از جریان اطلاع یافته بودند، برای مقابله با آوارگان در محل حاضر شدند در پیسی اجتماع خانوادگی آواره. مردم محل و رهگذران نیز در برابر ساختمان گرد آمدند و بحث و اظهار نظری پیرامون جریان در گرفت. در این میان سربازی از داخل جمعیت می گفت: "این ها همه چیزشان را از دست داده اند، این محل بلا استفاده افتاده، لابد می خواهند آنرا برای سرمایه داران نگاه دارند که به آوارگان نمی دهند." یکی از زنان آواره که تحرک و فعالیت بیشتری در میان خانواده ها داشت می گفت: "چند بار در عرض آروز سه وزارت کشور مراجعه کردیم، ولی هیچ نتیجه ای جواب و آواره مانده ایم و با بد خودمان دست بکار شویم." هوا تاریک شده بود، مردم همراه خانواده های آواره در اطراف ساختمان ایستاده بودند، سرانجام خانواده ها تصمیم گرفتند با میله های آهنی در ساختمان را بشکنند و وارد آن شوند. یکی از افرادی که به تماشا ایستاده بود می گفت: "صبر کنید، شاید

از راه قانونی کار درست بشود و پلیس ها اقدام نمی کنند". اما زن آواره - خشمگین ضمن اینکه با میله آهنی مشغول باز کردن در ساختمان بود پاسخ داد: "اگر می خواستند گساری برای ما بکنند، تا حالا می کردند، باید خودمان در را بشکنیم و لاا مشب هم تا صبح توی خیابان می مانیم". عده ای از اهل محل و ناظران نیز با شکستن در توسط آوارگان موافق و همراه بودند سرانجام با تلاش خانواده ها و بسیاری عده ای از مردم دیگر، در ساختمان باز شد و خانواده ها به داخل آن رفتند در این موقع بحث و گفتگو بین مردمی که ناظر حرکت آوارگان در تسخیر ساختمان بلا استفاده بودند، جریان گرفت. یکی از آنها می گفت: "شهرک اکباتان همینطور خالی افتاده، در حالی که مردم جنگ زده در پاره رگها و چادرها و کتارهایشان از زندگی می کنند."

## حیله های جدید برای دریافت مالیات

عجبشیر: اقتصاد ورشکسته رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم را مجبور به استفاده از روشهای قدیمی و رسوا شده اخذ مالیات های کمر شکن از زحمتمندان میکند، اخبار نمونه های فراوانی در این باب مشاهده شده است، که بعنوان نمونه، اخذ پول برق ۴۲ هزار تومان... از زحمتمندان فقیر روستای عجبشیر... میتوان نام برد. روستاییان فقیر که قادر به پرداخت یک چنین مبلغ گزافی نیستند محکوم به قطع برق روستایشان شده اند! همچنین حکومت طرفدار مستضعفین!! مبلغ ۵۰ هزار تومان جهت پول برق مصرفی روستای خضلو ما در کرده است که در هر دو روستا زحمتمندان در مقابل تصمیمات زورگویان متحد ایستادگی میکنند.

رفقا،  
مواداران  
در تکثیر و توزیع آثار  
سازمان بکوشید

با انکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم



## نامه یک رفیق هوادار سازمان از زندان جمهوری اسلامی به نشریه "کار"

با ردیگردهای زندانها بروی  
فدا انقلابیون و آستان به رژیم  
سابق گشوده شد و آیت الله خمینی بار  
دیگر فرمان عفو و بخشودگی جمعی از  
زندانیان را داد.

ببینیم در میان زاهدگان چه کسانی  
دیده می شوند؟

سرهنگ خدا بیاریدا دستا نبیدانگا  
ها رژیم سابق و کسی که خدا قل، حکم  
اعدام هفت تن ز بهترین فرزندان  
رزمنده خلق را در رژیم پهلوی تقاضا  
و به اجرا درآورده است. اینگونه  
جلادان از آنروا زندانیان را می بینند  
تا با قضاوت شرع جمهوری اسلامی همکاری نماید  
و تاجر خود را در سرکوب انقلابیون  
در اختیار رژیم جمهوری اسلامی گذارند.  
از دیگر زندگان سرگرد تهرا نیسی  
رئیس شهریانیا گلانشریذ ز فولاست  
که قبل از قیام بهمن ماه در دوران  
گیری جنبش خلق، از عوامل سرکوب مردم  
دزفول، متهم به قتل چند نفر از مردم  
قهرمان دزفول بوده و به حبس ابد  
محکوم شده بود و بنا به فرمان آیت الله  
خمینی و آقا علی شهری رئیس  
دادگاههای ارتش از زندانیان زادند.

این مزدوران در شرایط آزادی  
شوند که بهترین فرزندان خلق بجرم  
خدمت به خلق و توزیع نشریات و اعلامیه  
های آگاهگران مربوط به سازمانهای  
انقلابی دستگیر و زندانیان طویل  
المدت محکوم می شوند و جالب تر اینکه  
رژیم جمهوری اسلامی پرونده دستگیر  
شدگان را بررسی کرده و اگر سابقه  
مبارزه در رژیم گذشته دارند و به عبارت  
دیگر پرونده مبارزاتی در گذشته داشته  
باشند تحت شرایط دشوارتری قرار  
می گیرند و محکومیت بیشتری را مشمول  
می شوند. اما در میان عفو شدگان  
برخی ز پرسنل جوان انقلابی ارتش  
را نیز می بینیم که گرچه مدت  
محکومیتشان در تاریخ ۱۲۹ سفند به  
اتمام رسیده اما جزولیت عفو  
شدگان قرار گرفته اند. این شیوه همان  
تاکتیک های کهنه شده ضد اطلاعات  
ارتش در زمان رژیم مغرورانه بود  
که آقای "شهری" تکرار می کند تا  
بخلاف خودش انقلابیون را متهم به  
همکاری با رژیم نماید و چنین وانمود  
سازد که آنان تقاضای عفو نموده اند  
اما خلفای قهرمانان ایران با تکلیف  
به تاجر گذشته خود با این حیل گری  
ها آشنا بند و هر روز که می گذرد بیش از  
پیش به ما هیت ضد انقلابی رژیم  
جمهوری اسلامی پی می برند.

## از مقاومت زحمتکشان را مسجود برابر یورش سرکوبگران خلق حمایت کنیم!

در آغاز سال نونیروهای انقلابی در شهرها سرهم چون دیگر شهرهای شمال به  
برپا نشی نما پیشگاه های عکس و نمب بزرگ نویسی های فشاگرانه از عملکردهای  
فدا انقلابی ها کمیت در سطح شهرها درت میورزند، این عمل نیروهای انقلابی  
که هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به نحو فعال و چشمگیری در آن  
شرکت داشتند مورد استقبال مردم قرار میگیرد. حاکمیت که همواره از آگاهان  
میترسد با بسیج فاشلانها و چماقداران سمی در زمین بردن این نما پیشگاهها دستگیری  
نیروهای انقلابی می نماید بکنه با مقاومت کلبه زحمتکشان مردم آگاه و مبارزان  
و نیروهای انقلابی مواج می شود. در درگیری های که بدنبال این حمله و با شان  
و چماقداران رژیم جمهوری اسلامی بوقوع می پیوندد تعدادی زخمی و مجروح برجای  
می ماند.

شاخه گیلان سازمان در بخشی از اعلامیه خود که در تاریخ ۸ فروردین ماه به  
شد، چگونگی وقایع را بشرح زیر توضیح میدهد:

### مردم آگاه و مبارز گیلان

در پی درگیریهای روز چهارشنبه در شهرها سرکه منجر به زخمی شدن ۱۲ تن گردید.  
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با طرح توطئه های گوناگون کوشیدند تا همچو وقایع  
لاهیجان، زحمتکشان را مسرا نیز سرکوب کنند. از این رو در روز جمعه ۷ فروردین  
ماه ۶۰ پاسداران در شهرها تعقیب انقلابیون به تحریک مردم پرداخته تا ایجاد  
درگیری نمایند. در پی از این برخوردها چند نفر از پاسداران ۲ تن از هواداران  
نیروهای سیاسی را دستگیر میکنند که با دخالت مردم زحمتکش آن دو موفق به فرار  
می شوند در این هنگام یکی از پاسداران در وسط خیابان بحالت نشسته موضع  
میگیرد تا بسوی آندر نفر تیراندازی نماید که مردم مانع این کار شده و پاسداران  
را با طر این اعمال فدا نشانی "هو" میکنند. بعد از این وقایع پاسداران با  
بسیج فاشلانهای قهقهه کش از شهرهای مختلف میروند تا طرح سرکوب زحمتکشان لاهیجان  
را در مسریا ده کنند، لذا در همان شب از ساعت ۱۱ به بعد به خانه چند تن از  
انقلابیون حمله میبرند که با حمایت مردم از انقلابیون، پاسداران مجبور به فرار  
می شوند. هوشیاری در سازماندهی مردم و ایجاد گروه های کشیک شب از جانب  
انقلابیون باعث شد که پاسداران نتوانند شبانه فاشلانها را در شهرها کرده و اموال  
کسبه زحمتکش را غارت کنند. نیروهای انقلابی به همراه مردم زحمتکش تمام شب  
را تا هشت و نیم صبح در خیابان میمانند. در ساعت ۹ صبح روز شنبه اولین ماشین  
حامل چماقداران و قهقهه کشان که عمدتاً از محله باقرآباد درشت جمع آوری شده بودند،  
وارد شهر شده و با چاقو قهقهه و دیگر وسایل "ارشادی" رژیم جمهوری اسلامی به مردم حمله  
میبرند که با مقاومت یکپارچه مردم مواجه شده و دستگیر میگردند. پس از دستگیری  
گروه های اوباش توسط مردم، پاسداران به حمایت از اوباشان و قهقهه کشان وارد  
عمل شده و بسوی مردم تیراندازی میکنند و یک مبارز انقلابی بضرر گلوله پاسداران  
به شدت میرسد. زحمتکشان مبارزان مسریا شلیکهای پیاپی پاسداران، خیابان  
ها را رها کرده و در کوجه با پشت بازار تجمع میکنند و با دادن شعار مرگ بر آمریکا  
بمقابل پاسداران میزدور می پردازند. پاسداران بکمک سوسان محلی از فرست  
استفاده کرده و دهها نفر از مبارزان را دستگیر میکنند. این اعمال جنایتکارانه  
مزدوران رژیم باعث میگردند که مردم زحمتکش را مسریا دفاع از حقوق دموکراتیک  
خود ممتد تر از پیش به مقاومت برخیزند. لذا تجمع مردم از پشت بازار به "لات محله"  
را مسرا انتقال می یابد. در "لات محله" مردم زحمتکش بیاری هالی محل در پیوند با  
نیروهای انقلابی کنترل محله را در دست گرفته و با اتحاد و همبستگی خود توطئه  
های سرکوبگران پاسداران را خنثی میسازند.

این اقدامات سرکوبگران و وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی علیه توده های  
زحمتکش و سازمانهای انقلابی نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی بنا به  
ماهیت ضد انقلابی خود می کوشد که با ایجاد درع و هراس در میان مردم سرکوب قهر  
آمیز آنها، جلومبارزات توده ها را سد کند. اما هیچیک از این اقدامات قلدینیت  
توده های میهن ما را که هر روز آگاهانه تر و مصمم تر میباشند، از راهی  
که در پیش گرفته اند باز ندارد. ما یکبار دیگر این اقدام سرکوبگران رژیم جمهوری  
اسلامی را علیه توده ها و سازمانهای انقلابی شدیداً محکوم می کنیم.

## حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست



# لیبرالها از چه می ترسند و به چه شیوه‌هایی متوسل می شوند؟

بقیه از صفحه ۱

آغاز کرده اند و بنی صدر نیز در هر کجا که فرصتی دست داده است، علیه مارکسیسم لنینیسم" علیه سوسیالیسم داد سخن داده است و این بی دلیل نیست. امروز دانستن این مسئله برای توده های زحمتکش میهن ما، برای توده های کارگر و دهقان ضروریست که چرا تمام جناح های هیئت حاکمه با تبلیغات شبانه روزی خود، مارکسیستها را هدف قرار داده اند؟ و هر یک به شیوه خود، در یک "هدف مقدس" که همانا حمله به سوسیالیسم و حمله به مارکسیسم است وحدت نظر و وحدت در عمل دارند. مسأله کمونیستها همیشه بصراحت بنده های زحمتکش گفته ایم و در هر نوشته و گفتار خود بتوضیح این مسئله پرداخته ایم که هدف نهائی ما بر انداختن و محسو جا معطیباتی، بر انداختن مالکیت خصوصی، بر انداختن استعمار روستا است. ما بصراحت گفته ایم تا زمانی که جا معطیبات استعمار رگرو استعمار شونده، دارا و ندار، سرما به دار و کارگر تقسیم شده باشد، تا زمانی که عده ای با تکیه مالکیت بروسائل تولید با تکیه مالکیت بر کارخانه ها و زمینها بر سر نوشت توده های زحمتکش حاکم باشند و بر اساس این که مالک وسائل تولیدند، سرما به دارند، زمیندارند، با استعمار کارگران بهره دارزند، رها گئی از قید ست و استعمار بندگی ممکن نیست. کمونیستها در هر گام خود این واقعیات را بصراحتی توده های تحت ست و استعمار توضیح میدهند، و تفا دخصما نه ای را که میان طبقات استعمار رگرو استعمار شونده، کارگر و سرما به دار، دهقان و زمیندار و... وجود دارد این دان من میزنند، کمونیستها آتش جنگ طبقاتی را شعله و رتر می سازند، کمونیستها به کارگران و دیگر توده های زحمتکش توضیح میدهند که دولت ابزار سرکوب طبقات حاکم است و در جا معطیبات سرما به داری دولت دستگای ست برای انقیاد توده های زحمتکش. وارگانها و نهاد های سرکوب آن، ارتش، پلیس، ژاندارمری، سپاه پاسداران، کمیته ها، دادگاهها و زندانها تماما علیه توده ها و در خدمت طبقه حاکم یعنی در خدمت سرما به داران است. ما بتوده ها توضیح میدهم که بر انداختن سلطه امپریالیسم مستلزم بر انداختن سرما به داری وابسته است، و سرما به داری وابسته هنگامی بر می افتد که طبقه کارگران بی گبرترین دشمن امپریالیستها، این طبقه ای که شرایط زندگی اش او را مخالف هر گونه استعمار روستا ساخته

است، طبقه ای که تاریخ رسالت دگرگونیهای عظیم عصر ما را بر عهده این طبقه قرار داده است در رهبری جنبش خلق قرار داشته باشد. هیچ طبقه و قشر دیگری نمیتواند سرما به داری وابسته را براندازد. روشن است بیان این حقا یقین نمیتواند، کینه و نفرت طبقاتی که سنا فعشان در حفظ نظام سرما به داری، در استعمار روستا توده ها، در حفظ وابستگی جا معطیبات، و در وهله نخست سرما به داران و سنا پندگان آنها را بر بنیاد نگیزد. با زرگان حق دارد که مارکسیستها را بزرگترین دشمن بدانند. اگر با زرگان، بنی صدر، بهشتی رفسنجانی و تمام افراد گروهها و سازمانهای وابسته به سرما به داران جز این می گفتند تعجب آور بود. منافع لیبرالها، حزب جمهوری اسلامی و دیگر سازمانها و گروههای ریز و درشت وابسته به معادل سرما به داری بزرگ و متوسط در حفظ نظام سرمایسه داری وابسته است، پس بی جهت نیست که همان کینه و خصومتی را که امپریالیسم با مارکسیستها دارد، سرما به داران وابسته با آنان داشته باشند، همانگونه که رژیم شاه نسبت به مارکسیسم کینه و خصومت داشت با زرگان داشته باشد، همانطور که بختیار روزنرالهای مزدور شاه نظیر او ایسی با کمونیستهای ایران دشمنی دارند، حزب جمهوری اسلامی داشته باشد. همانگونه که پلیس و ارتش انقلابیون مارکسیست را سرکوب کرده و می کنند، با سداران و کمیته چپ ها به ترور، سرکوب و شکنجه مارکسیستها متوسل می شوند. با زرگان و امثال او بخوبی آگاهند که مارکسیست های ایران از همان فردای آن روزی که وی دولت موقت خود را برای خیانت به خلق تشکیل داد، رودر روی او ایستا دند و مبارزه کردند، او هر جا که آغاز به با سازی سرما به داری وابسته کرد، رودر روی خود مارکسیست ها را دید که توده ها را بمقاومت و مبارزه دعوت می کردند. در کارخانه

ها و دیگر جناح های ضد انقلابی حاکمیت را افشاء می کنند. آری مارکسیستها سازش حاکمیت با امپریالیسم و تلاش های مستمر با زرگان برای نزدیکی هر چه بیشتر با امپریالیسم آمریکا، ابقاء قرار داده ها، انعقاد قرار داده های تازه با امپریالیسم برای توده های افشاء کردند تا بالاخره توده ها در عمل پی بردند که با زرگان با کابینه سر تا پا جا سوس خود، جز خیانت به خلق و خدمت به امپریالیسم و سرما به داران کاری نکرده است. بنیادین توده های زحمتکش با بدبختی درک کنند که دشمنی با زرگان و و دیگر لیبرالها با مارکسیستها بجه علت است، اگر او در سخنرانی خود از آمریکا هم سخنی بمان می آورد و آنرا "شیطان" میدانند صرفا برای فریب توده ها است، زیرا کسی که همه جا در خط امپریالیسم آمریکا گام برداشت نمیتواند، با امپریالیسم آمریکا دشمن باشد. لیبرالها دشمن مارکسیسم هستند زیرا مارکسیسم با سرما به داران، استعمارگران و مستکمران دشمن است. نه تنها با زرگان بلکه بنی صدر نیز درست از همین موضع دشمن مارکسیستها است اما او در شرایطی دیگر و با شیوه های ربا کارانه تری این دشمنی خود را نشان می دهد. او درست در شرایطی که توده ها پس از دو سال تا حد زیادی صحت گفتار مارکسیستها را در زندگی روزمره تجربه کرده اند، سیاستهای ضد انقلابی حاکمیت را بصراحت دریا افشاء اند و نسبت به سیاست سرکوب و اختناق و ترور حزب جمهوری اسلامی نفرت و انزجار پیدا کرده اند، بعنوان یک "آزادبخواه" وارد میدان شده است. اما مارکسیست - لنینیست های ایران به توده ها توضیح میدهند که بنی صدر مانند همه لیبرالها یک آزادبخواه دروغین است. او برای پیشبرد مقاصد خود از در آزادیخواهی وارد شده است. ما بتوده ها می گوئیم که آزادبخواهی بنی صدر، آزادی برای سرما به داران و مستکمران، آزادی در استعمار توده ها، آزادی در برقراری مناسبات حسنه با امپریالیستها است. حکومت قانون او، حکومت "قانونی" سرما به داران است. "نظم" دلخواه او "نظم" سرما به داران است. با سازی ارتش، با سازی ارگانهای سرکوب توده ها است. ما بتوده ها می گوئیم که بنی صدر در ماهیت امر با حزب جمهوری اسلامی تفاوتی ندارد، تنها در شیوه با سازی نظام

بقیه در صفحه ۱۹

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# شکجه در کوچه و خیابان

بقیه از صفحه ۱۴

اسلحه و پوئین به جانم افتادند. ضربه ها بقدری قوی بودند تا ک بود که صدای نمره ۱۲ مبرخاست. نیم ساعت بگریز مرا زدند شکم و پشتم یکبار چنه درد شده بود. سواهای سرم را می کشیدند و سرم را به دیوار و اسفالت حیاط می کوفتند. کمی بعد از هوش رفتن در یک سلول تاریک به هوش آمدم. سرا پا جراحات و دردی بودم. یک نفر آنجا نشسته بود. چهره اش مثل منکا ورم کرده بود. لبانش متورم و بی زبان شده بود. کمی بعد دستها زها داران مجاهدین است و به جرم پخش اعلامیه و راهب این حال روزانداخته اند. به من گفت: مثل اینکه حالت بهتر شده؟ با سیر تعدیق کردم. دیشب حالت خراب بود. هذیان می گفتمی و فهمیدم از دیروز بی هوش بوده ام.

صبح چند زندانی زن را آوردند و ما را از آن سلول بردند. به سلولی دیگر رفتیم. حدود بیست زندانی عادی و چند زندانی سیاسی آنجا بودند. وضع طوری بود که بنظر رسید مرادیده اند. یکی که جوانتر از همه بنظر می رسید با تردید گفت: مگر چقدر زده بسودی؟ می گفتند از بس مشروب خورده ای به استفرغ افتاده ای! گفتم دروغ گفته اند. مرا زده اند. گفت تورا که اینجا انداختند مرتب می گفتند از بس مشروب خورده همه اش بالامی آورد. من این سلول وضع خودم را در شب گذشته هیچ به خاطر نمی آوردم و هنوز هم به خاطر نمی آورم. همان جوان گفت میدانستم دروغ می گویند. گاهی هم می گویند اینها پول می گیرند و اعلامیه پخش می کنند. خیال می کنند خلق الله هیچ چیز بارشان نیست. اگر پول

می گیرند پس چرا اینهمه کتک می خورند و نمی بین نمی دهند؟! می گفتم مرگ بر شاه که همه چیز رو برآه شود اما حالا... بسین نه دزدیم و نه عرق خور. یکی ترقه فروخته. یکی نوار موسیقی فروخته. یکی به ما مورکمیته توهین کرده و اون بدبخت از همه جا بی خبرم شوی خیابان لخت شده و حالا کمیته می گوید باید از تهران بروم. به کدام جهنم دره بروم. ما مورین این کمیته دست هر چه دزد و آدمکش است از پشت بسته اند. راستی که درست می گفتم از کمیته اجتنام و حشتم تا کی بسرای زندانیان ساخته اند. با وجود این زندانیان چه عادی و چه سیاسی ما مورین راهیج به حساب نمی ورنند. از صبح روز یکشنبه با وجودی که دردم کمتر شده بود ولی هنوز حالت تعادل خود را با زنیافته بودم. سرگیمه داشتم نمی توانستم با ایستم و درست راه بروم. ساعت ۳ بعد از ظهر روز یکشنبه نوزدهم بهمن ماه مرا به همراه هوادار دیگری که جرم او هم شرکت در میتینگ هدفم بهمین بودا زاد کردند. ساعت چهارم را خواستم. گفتند باید از کمیته بگیری. گفتم یک تا مسه بدهید بروم بگیرم. اما چون فکر می کردم اگر برای گرفتن ساعت بروم ممکن است مرا با زهم بگیرند و نکهدا رند مرا جعه نکردم. سارق موتور ما مورکمیته میدان خراسان را هنگام خروج از کمیته دیدم و ولستی حرفی از موتور نردم بعضی فالانزهای را که در گوشه و کنار خیابان انقلاب و میدان آزادی دیده بودم و حشتمس میزدم شاید هم به جانی وابسته نباشند همه ما موران کمیته منطقه بودند.

# چرا دولت ادريس بارزانی مزدور "سیا" را نماینده خلق کرد می داند؟

بقیه از صفحه ۲۰

آنچنان مورد اعتماد دو حمایست جمهوری اسلامی قرار دارند، که رژیم آنها را نماینده خلق کرد در عراق می شناسند و در ایران نیز در کنسولگریهای نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی یعنی پیشمرگان مسلمان کرد بخوان "جاشها" و سیا به پاسدا زان و ارتش به کشتار خلق قهرمان کرد مشغول اند. ادريس بارزانی طی مباحثه ای که در تاریخ ۱۰/۱/۶۰ در روزنامه "اطلاعات نجاب رسید، تلویحا" به همکارهای فوق اشاره کرد، اما جهت این همکاری را روشن ننمود. او نیز همانند رهبران جمهوری اسلامی به عوام فریبی متوسل شد و سعی کرد تا چنین وانمود سازد که قیاده موقت در حال جنگ، رژیم عراق است. اما خلق قهرمان کرد که بارها مورد هجوم این سرسپردگان امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است. بخوبی ما هیت آنها را می شناسیم و دروغپردازیهای آنها را باور نمیکنند. اینکه چرا در شرایطی که جبهه میهنی کردستان برهبری جلال طالبانی در حال جنگ با رژیم ضد خلقی عراق است، رژیم جمهوری اسلامی ادريس بارزانی را نماینده خلق کرد عراق می شناسد، و با آن همکاری نزدیک دارد، نه تنها از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بلکه از انتطابق سیاست رژیم جمهوری اسلامی و عمال و مزدوران امپریالیسم در سرکوب خلق کردانی می شود. خلق کرد! مروزا زیکسو مورد حمل و سرکوب رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق و از سوی دیگر دارو دسته های مزدوران امپریالیسم نظیر قیاده موقت قرار دارند.

اگر رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق بدلیل اختلافاتشان یکی اسما "از مبارزات خلق کرد عراق و دیگری از مبارزات خلق کرد ایران سخن می گویند، این امر جنبه کاسیلا موقتی و گذرا دارد. این هر دو دولت دشمنان خلق کرد ایران و عراق هستند. اگر خلق کرد عراق خواستار خود مختاریست، خلق کرد ایران نیز خواستار خود مختاری می باشد. اگر دولت ایران دشمن خلق کرد است، دولت عراق نیز دشمن خلق کرد است. کافیت که بسین این دو دولت توافق صورت گیرد تا دوباره هر دو دولت هم مانند زمان شاه مزدور به وحدت عمل علیه خلق کرد ایران و عراق برسند. با توضیح این مسائل روشن میگردد که چرا دولت ایران از اعلامیه امپریالیسم آمریکا یعنی بارزانی که مورد تائید شاه نیز بود، حمایت و پشتیبانی می کند، و نه نمایندگان انقلابی خلق کرد عراق.

# راهپیمائی توده ها..

بقیه از صفحه ۲

موج گسترده مبارزات توده ای علیه سرکوب و اختناق جماع بدست ها در راسر، قزوین و دیگر شهرهای شمال کشور، تداوم مبارزات کارگران برای کسب حقوق حقه خویش از آغاز نخستین روزهای سال نو، ادامه مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق کرد در کردستان، افزایش موج تظاهراتی در میان آوارگان جنگه ایجا در زمینه درگیریهای حساس در بلوچستان، حرکت توده ها در آذربایجان لرستان، خراسان، افغانو... همه و همه و همه بیباک نگر حدهت بیباک توده های طبقاتی است. و در آینه توده ها است تعارضات اجتماعی با زهم شدیدیتری خواهیم بود. و بدون شبهه در این شرایط بحرانی اتوریته خمینی که بطور روز افزونی در عرصه مبارزات اجتماعی شکسته میشود، نه قادر است بر تضاد بین "بالائی"ها مها رزندونه میتواند مانع فوران جنبش توده ای گردد.

بگذار از پوئینست های نویای ما "اکثریتی"های راست که به خیال سازشکاران پیوسته اند، چشم بر این واقعیات فرو بینند و از نظراتی که دو سال پیش از آن دفاع می کردند عدول کنند و به آراستن چهره جمهوری اسلامی و انقلابی وانمود ساختن آن مشغول باشند.

واقعیات زندگی در هر گام خویش محت نظریات انقلابی را بنشسوت رسانده و ما هیت قدا انقلابی جا کمیت را فاش می سازد.

بگذار در شرایطی که توده ها پس از دو سال تجربه شخمی خویش میدان پای به زردک و آگامی رسیده اند که در عمل به دعوت برای تأسیس جمهوری اسلامی پاسخ "نه" می دهند، اپورتونیستها به حمایت از جمهوری اسلامی برخیزند. و پس از دو سال تاخیر به فرانسوم جمهوری اسلامی برای مثبت دهند. آنها با این اعمال شان تنها خدمت خود را به سرمایه داران به نمایش می گذارند.

### لیبرالها از چمی ترسند و...

بقیه از صفحه ۱۷

سرما به داری، در شیوه های سرکوب با هم اختلاف دارند، بنی صدر با لاس زدن به دیکراسی، میخواد توده ها را بفریبده و همان راه حزب جمهوری اسلامی را با بشکلی پوشیده و عوام فریبانه ادامه دهد. بنا بر این او هم باید دشمنان مارکسیست - لنینیستها باشد. او نیز همانند با زرگان مارکسیستها را بزرگترین دشمن میدانند، اما از دیگری وارد می شود. توده ها را از "دیکتاتور" می ترسانند و هدف خود را که همانا با سازی نظام - سرمایه داری سرکوب طبقه کارگر و توده ها است، در زیر پوشش الفاظ فریبنده و ژست های آزادیخواهانه می پوشاند. او در حالی که خود را "آزادیخواه" و "طرفدار دیکراسی" معرفی می کند، کمونیستها را طرفدار دیکتاتور می داند و درست در همین جا است که او بتوده ها دروغ می گوید و سعی در فریب آنها دارد. اما کمونیستها حقیقت را بتوده ها می گویند. آنها بتوده ها توضیح میدهند، از آنها نگامی که جا معه طبقاتی پدید آمد، از هنگامی که جا معه به طبقات استعمارگر و استثمار شونده تقسیم شد، همیشه دیکتاتور یک طبقه یا طبقات علیه طبقه یا طبقات دیگر اعمال شده و می شود. در طی تاریخ، طبقات استعمارگر همیشه دیکتاتور خود را بر توده های تحت ستم اعمال کرده اند و در جوامع سرما به داری نیز دیکتاتور طبقه سرما به دار علیه کارگران و زحمتکشان اعمال میشود. منتها این اعمال دیکتاتوری یا بشکل سرکوب آشکار و عیان است، یا بشکل پوشیده، بوسیله شیوه های فریبکارانه و تحمیق کننده بنام "دیکراسی"، مگر در جا معه خودمان ندیده ایم که هنگامی که منافق طبقه سرما به دار بطور جدی در خطر می افتد، آنگاه چگونه بنی صدر، "دمکرات" و "آزادیخواه" در کنار حزب جمهوری اسلامی سرکوب توده ها می پردازد. سرکوب کارگران کفش ملی، سرکوب کارگران شرکت واحد، سرکوب دانشگاه، سرکوب خلقهای گرد و ترکمن و... گویا ترین دلیل این مسئله است. پس روشن می شود که "دیکراسی" ادعای آقای بنی صدر از چه قماش است اینجا دیکتاتور اقلیت استعمارگر علیه اکثریت عظیم توده های تحت ستم اعمال می شود. آری کمونیستها نیز از دیکتاتور طبقه کارگر، از دیکتاتور خلق علیه ضد خلق سخن می گویند و بفریب توده ها هم متوسل نمی شوند. اما در اینجا یک تفاوت عظیم وجود دارد، دیکتاتوری کارگران، دهقانان و همه توده های تحت ستم، دیکتاتور اکثریت عظیم

جا معه علیه سرما به داران و زمینداران است. آری این دیکراسی برای خلق، برای توده های زحمتکش و دیکتاتور علیه یک مشت سرما به دار، زمیندار، استعمارگر و تمام عوامل و ایادی امپریالیسم است. توده ها طرفدار این دیکتاتور هستند و دیکراسی برای آنها مفهومی جز سرکوب سرما به داران و تمام استعمارگران، جز آزادی اعمال اراده آنها ندارد. این را توده ها در حین قیام، هنگامی که هنوز رژیم جمهوری اسلامی بشیوه های مختلف جلواعمال اراده آنها را نگرفته بود به بهترین وجه نشان دادند. آنها قاطعانه در پی سرکوب دشمنان خود بودند. آزادی ها و دیکراسی برای توده ها بهمین معناست و درست این همان دیکتاتور است که مارکونیست ها از آن دفاع می کنند.

پس بی دلیل نیست که لیبرالهای رنگارنگ همانند دیگر نمایندگان سرما به داری مارکسیسم را بزرگترین دشمن خود میدانند. آنها از مارکسیسم می ترسند، زیرا از توده ها می ترسند، از طبقه کارگر می ترسند، از بخطر افتادن منافق خود می ترسند، از برافتادن نظام سرما به داری می ترسند، ترس آنها از مارکسیسم - لنینیسم، ترس آنها از ایدئولوژی طبقه کارگر، و بقتدرت رسیدن طبقه کارگر، و برافتادن نظام سرما به داری، ستم و استعمار است. اما لیبرالهای رنگارنگ ما امروز بشیوه های دیگری متوسل شده اند، تا این حقایق را از دید توده ها پنهان دارند و مارکسیسم - لنینیسم را در میان توده ها بی اعتبار میکنند. آنها در نوشته ها و گفته های خود حزب توده را گمراه و در خیانت آن نسبت به طبقه کارگر و توده های زحمتکش میهن ما تردیدی

نیست و این را توده ها طی چهل سال حیات ننگین این حزب، در عمل تجربه کرده اند، مارکسیست - لنینیست معرفی کنند. تا توده ها را از مارکسیسم بری سازند، واقعیت اینست که این حزب بزرگترین دروغین خیزه است، این حزب که کمترین رابطه ای با مارکسیسم - لنینیسم، با ایدئولوژی طبقه کارگر ندارد، بدروغ بر خود نام مارکسیست - لنینیست نهاده است. این حزب همیشه در خدمت سرما به داران بوده است، خباثت های این حزب به توده ها در فاصله سالهای ۲۰ تا ۳۳ هر کسی پوشیده نیست. خدمت آنها را به قوام السلطنه بیاد داریم، پس از کودتای بیست و هشت مردان دنیز برخی از رهبران آن علنا به خدمت رژیم مزدور شاه درآمدند و برخی دیگر نیز در خارج پرندگی راحت خود ادامه دادند. این حزب از فرمهای کذابی شاه دفاع کرد و با زخم خبانت خود را بخلقی نشان داد و امروز نیز در بیست و هشت رژیم جمهوری اسلامی و طبقه سرما به دار ایران است، بنا بر این سرما به داران ایران از یکسو، از این حزب بعنوان ستون پنجم خود در جنبش طبقه کارگر استفاده می کنند تا جلوی مبارزات کارگران را بگیرند و در میان آنها تفرقه ایجاد کنند و از سوی دیگر با معرفی کردن آن بعنوان یک حزب با ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی سعی در بی اعتبار کردن مارکسیسم - لنینیسم دارند. بنا بر این وظیفه ما در افشای لیبرالها، از افشای حزب توده و همپالکی های آنها نظیر جناح راست اکثریت جدا نیست. بگوئیم همگام با توضیح دشمنی لیبرالها با مارکسیسم شیوه های عمل آنها را نیز افشاء کنیم.

### قسمتی از اعلامیه هواداران در خرم آباد

هواداران سازمان در خرم آباد، بدنبال حمله هواشهر رژیم قد خلقی عراق به منطقه تنگ فنی که منجر به شهادت دوازده تن از ساکنان منطقه و مجروح شدن پنج نفر شد، اعلامیه ای بتاریخ چهارم اسفند ماه منتشر کرده اند. در بخشی از این اعلامیه میخوانید:

در ادامه این جنگ ارتجاعی و حملات دممنشانه به مردم بی دفاع، روز سیزدهم اسفند ماه ساعت یازده و چهل دقیقه صبح - تلمبه خا نه تنگ فنی توسط دو هواپیما جنگنده عراقی مورد حمله قرار گرفت که در اثر انفجاری از خانه های مسکونی اطراف و بختی از این تلمبه خا نه منهدم گشته و دوازده تن از زحمتکشان این منطقه شهید و پنج تن از آنان نیز مجروح میگرددند. خانه های

مسکونی کارگران این تلمبه خا نه که در اطراف آن قرار گرفته از کمترین وراثت ایمنی و بنا هکاه نیز بی بهره اند...

ما این سوگ عظیم را به زحمتکشان این منطقه، بویژه با زمانگان این جامعه تسلیم گفته و خود را در غم آنان شریک میدانیم.

### قربانی دیگر از...

بقیه از صفحه ۲۰

آنها هر ماه بخشی از دسترنج کارگران و بعنوان حق بیمه دریافت میکنند. اما در مقابل، نتیجه ای با یکدیگر نمی سازند.

حتی گر با این کارگرها در میان باشد.

ما مرگ این کارگر جوان را که قربانی سیستم فاسد سرما به داران است به همه دوستان و همرزمان کارگرش تسلیم میگوئیم.

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

# رژیم جمهوری اسلامی باز هم بیک جنایت فجیع دست زد

ترور صفر قدس، یکی از اعضای  
میلیشیا ی مجاهدین خلق در زندانهای  
جمهوری اسلامی یکبار دیگر چهره سرخ  
چنابتکارانه و تیر بسم رژیم جمهوری اسلامی  
را نشان داد. پس از ترور صفر قدس  
جها نکیر قلمه میآید و آب در زندانهای  
رژیم، این ترور جنابتکارانه چشم  
توده های میهن ما و انزجار رونق نشان  
نسبت به این رژیم ترور و سرکوب را  
برانگیخت. در قزوین بهین مناسبت  
اعتراض وسیعی علیه رژیم صورت گرفت  
رژیم جمهوری اسلامی که واقعا در مانده  
و ناتوان شده است. به اعمال وحشیانه  
چون ترور نیروهای انقلابی متوسل  
گشته است. در شمال، بندر عباس،  
سیستان و بلوچستان نیز طغیان کرده و ماه  
اغیر چند تن از هواداران نیروهای  
انقلابی ترور کرده است. اما این  
اقدامات نه تنها قادر نیست رژیم  
جمهوری اسلامی را نجات بخشد بلکه  
بیش از پیش باعث بی اعتباری و  
افتای آن در میان توده ها خواهد شد.

## جیت تهران (با فکار)

احمد بزازی فرخنده

## قربانی دیگری از اردو گاه کار

هشتم فروردین ماه کارگر  
با فتنه احمد بزازی فرخنده  
ضمن انجام کار در حال لغت اغمه میشود.  
دوستان نگارگرش او را به بهانه  
کارخانه منتقل میکنند. در آنجا از  
پزشک صیقا رخا نه خبری نیست کارگران  
پس از آنکه با اقدامات شخصی زبوش  
آوردن بیمه را میپوش میخوانند او را  
آمیولاس به بیمه رستان بیمه منتقل  
می کنند، پزشک بیمه رستان با یک  
معاینه سرپا نی حالت بیمه را معاینه  
تشخیص میدهد و توصیه می کند که او  
در منزل به استراحت بپردازد کارگران  
نوبت بیمه را خود را به منزلش میا و روند  
و او پس از چند ساعتی در میگذرد. بدین  
سان کارگر جوانی که مدتی حدود ۲ ماه  
بود در این کارخانه مشغول بکار شده  
بود چنان خود را به ما دگی از دست میدهد  
و پزشک او را زدیگر نشانده که کارگران  
آنها را از حداقل امکانات درمانی  
نیز برخوردار نیستند.  
موسسات بیمه درمانی همه وهمه در  
سیستم سرما به داری بخشی از این  
سیستم اند که خدمت سرما به درآ می دهند  
و خود نوعی بنگاه سرما به گذار می باشد.  
بقیه در صفحه ۱۹

# روز اول ماه مه را هر چه باشکوه تر بر گزار کنیم

بقهر و سرکوب توده ها را تنها راه نجات  
خود یا فتنه است، ضرورتی دوچندان  
می یابید.

با درک این شرایط سازمان ما از  
همه نیروها و سازمانهای انقلابی  
دعوت می کند که از هم اکنون تلاشهای  
مشترکی را در جهت برگزاری مشترک  
این روز آغاز کنند. ما نیز بسم خود  
در این راه، کامیاب میگردیم و مقدمات  
خطوط کلی طرح خود را برای بحث و  
مذاکره ارائه میدهم.

پیشنهاد ما اینست که چهار محور  
میتواند این حرکت مشترک نیروهای  
انقلابی را تا منین کند.

۱- نیروها و سازمانهای کسه  
حاکمیت را ضد انقلابی بدانند.  
۲- این سازمانها با یکدیگر در  
حرف که در عمل ضدا مپریالیست  
باشند.

۳- رهبری طبقه کارگران ایران را  
برای پیروزی انقلاب ضدا مپریالیستی  
دمکراتیک ایران بپذیرند.

۴- از آنجائیکه رژیم جمهوری  
اسلامی به سلب حقوق و آزادیهای  
سیاسی توده ها متوسل شده است و از  
آنجایکه امر تشکل و آگاهی بولتاریا  
تا حد زیادی با تانین حقوق دمکراتیک  
و آزادیهای سیاسی توده ها ارتباط  
لایفنگ دارد، تدویم انقلاب ضمد  
امپریالیستی - دمکراتیک توده ها در  
گرد تعمیق هر چه بیشتر آزادیهای  
سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها است  
و در شرایطی که جو سیاسی و جوش انقلابی  
توده ها این مسئله را در دستور روز قرار  
داده است، محور مبارزه این روز، به  
مبارزه علیه سرکوب و اختناق، مبارزه  
برای حفظ و کسب حقوق دمکراتیک و  
آزادیهای سیاسی توده ها در جهت  
تعطیل مبارزه ضدا مپریالیستی توده  
ها باشد.

با این امید که روز اول ماه مه  
روز جهانی کارگران باشکوه تر برگزار  
کنیم.

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز  
همبستگی جهانی کارگران سراسر  
جهان فرا میرسد. با نزدیک شدن این  
روز ما رگسیت - لنینیت های  
ایران بعنوان بیکبیرترین مدافعین  
منافع طبقه کارگر در تدارک برگزاری  
هر چه باشکوه تر و عظیم تر این روزند.  
اما همانگونه که میدانیم علیرغم  
پیشرفت های جنبش طبقه کارگران ایران  
در وهالی سه سال گذشته، نه تنها طبقه  
کارگران است که خود را با تشکل و آگاهی لازم  
است، نه تنها هنوز بصورت یک جنبش  
مستقل صف خود را از تانما صفوف اقشار  
و طبقات غیر پرولتری منما بزن نگردیده  
است، بلکه پراکنده گی عظیمی در میان  
نیروهای مارگسیت - لنینیت  
حاکم است که خود را با تشکل و آگاهی  
عینی حاکم برجینش طبقه کارگر  
میباشد. بهر حال علیرغم تمام این  
شرایط که برجینش طبقه کارگر و جنبش  
کمونیستی ایران حاکم است،  
ضرورتیست که نیروهای انقلابی تمام  
توان خود را بکار ببرند، تا حد ممکن این  
روز را با شکوه تر برگزار کنند و قدرت  
تشکل و آگاهی طبقه کارگران ایران را  
در برابر سرمایه داران، دولت حامی  
آنها و پورتونیت ها این خائنین به  
طبقه کارگر بنمایش بگذارند.

بما بر این سازمان ما معتقد است  
که علیرغم فشار و سرکوب رژیم ضد  
انقلابی حاکم، یک حرکت مستقل و  
مشترک از سوی نیروهای انقلابی در  
این روز امری ضروریست. این امر  
بویژه در شرایط اعتلای جنبش طبقه  
کارگر، در شرایط رشد روز افزون حرکات  
اعتراضی کارگران، در شرایط اعتلا  
جنبش توده ای، در شرایطی که رژیم  
ضدا انقلابی جمهوری اسلامی از  
پاسخگوشی به نیازهای اولیه توده ها  
نا توان بوده، فقر و فلاکت جا معر افرا  
گرفته و بیش از پیش ما هیت این رژیم  
بر توده ها افشا می شود، و از آن جسد  
میگردید، در شرایطی که رژیم توسل

## چرا دولت ادريس بلرزائی مزدور "سیا" را نماینده خلق کرد می داند؟

حمایت رژیم جمهوری اسلامی از  
جنبشهای ارتجاعی منطقه یکسی از  
اجزای سیاست خارجی این رژیم است.  
ما تاکنون نمونه هایی از این موارد  
را در افغانستان، عراق، ترکیه و...  
نشان دادیم. یکی دیگر از این موارد  
پشتیبانی و حمایت رژیم جمهوری

اسلامی از ادريس بلرزائی است  
ما هیت ادريس بلرزائی فرزند  
ملا مطفی بر بسیاری از هموطنان  
آگاه ما بویژه خلق قهرمان کردوشن  
است. او یکی از مزدوران و عوامل  
سر سر برده آمریکا است که همانند پدرش  
جز ضرب آورده به جنبش خلق کسب کرد  
خیانت به آن هدفی را دنبال نمی کند.  
دارو دست به روانی معروف بسینه  
"قیاده موقت" که از حما پیست  
امپریالیسم آمریکا برخوردارند.

بقیه در صفحه ۱۸

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر